

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۶۳ / سال هفتم / آذر ماه ۹۶ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران

عامل اصلی وضعیت بحرانی سازمان تامین اجتماعی و صندوق بازنشستگی **دولت** است. دولت همزمان با افزایش تعهدات بیمه‌ای سازمان، معافیت بیمه‌ای کارفرمایان را افزایش داده، تعهدات مالی و سهم حق بیمه کارکنان دولت و افراد تحت پوشش بیمه حمایتی را نمی‌پردازد و شرکت‌های زیان‌ده دولتی را به سازمان تامین اجتماعی تحمیل می‌کند.

یکمین سال عضویت سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران در فدراسیون جهانی اینداستریال، شادباش!





در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ایران ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۱۶

گزارشی از بعضی مناطق زلزله زده استان کرمانشاه ص ۳۰

عدم ایمنی یعنی کشتار کارگران ص ۳۸

کار صنفی سخت و پر حوصله است! ص ۴۰

به مناسبت زادروز پرویز شهرباری ص ۴۲

چرا صدا و سیما باید از پروژه ها ص ۴۴

ما می توانیم! ص ۴۵

چگونه حق خود را طلب کنیم! ص ۴۶

کارگران کارگاه هایی با کارهای طاقت فرسا ص ۴۸

به مناسبت یکم دمین سالگرد انقلاب اکتبر ص ۵۰

تلخ و شیرین های گازیم عاشقی ص ۵۳

شعرها ص ۵۴

پیدایش و تکامل حیات ص ۵۷

مبانی اقتصاد سیاسی ص ۵۹

فرجام ص ۶۱

خسوفت چیست؟؟ ص ۶۴

پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه ای

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com مراجعه کنید.



بنا به درخواست سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران از فدراسیون جهانی اینداستریال اطلاعیه زیر منتشر شد:

اتحادیه جهانی اینداستریال از دولت ایران می‌خواهد که محمود صالحی و رضا شهابی را بی‌درنگ آزاد کند و به حقوق بنیادی بشر و کار احترام بگذارد!

جناب آقای حسن روحانی، ریاست جمهوری اسلامی ایران

من این نامه را در مقام دبیرکل اتحادیه جهانی اینداستریال که بیشتر از پنجاه میلیون کارگر در بخش‌های معدن، انرژی، و تولید را در بیش از ۱۴۰ کشور جهان، از جمله در ایران، نمایندگی می‌کند به شما می‌نویسم تا بار دیگر از شما بخواهیم که رهبران سندیکایی زندانی در ایران، از جمله محمود صالحی و رضا شهابی را بی‌درنگ آزاد کنید و رعایت کامل حقوق بنیادی بشر و حقوق کار را در کشورتان تضمین کنید.

ما گزارش‌های نگران‌کننده‌ای دریافت کرده‌ایم که حاکی از پیگرد، و از جمله بازداشت کارگران و رهبران سندیکایی به دلیل استفاده از حقوق بنیادی سندیکایی خود بوده است. به این لحاظ، ما خواستار آزادی و بی‌قید و شرط همه کارگران و رهبران سندیکایی زندانی هستیم. به‌ویژه، ما به‌شدت نگران رفتار غیرانسانی با دو فعال کارگری برجسته یعنی محمود صالحی و رضا شهابی هستیم. تندرستی و سلامت این دو در خطر بزرگی است.

محمود صالحی که فعال کارگری باسابقه‌ای است و در سی سال گذشته بارها به زندان افتاده است، در روز ۲۸ اکتبر ۲۰۱۷ (۶ آبان ۱۳۹۶) دوباره به زندان برده شده است.

روز ۳ نوامبر (۱۲ آبان) آقای صالحی دچار سکتۀ قلبی شد و از زندان به بیمارستان برده شد، ولی در کمال تعجب، به‌رغم اینکه کارکرد قلب او فقط ۳۰ درصد است، او را در روز ۱۱ نوامبر (۲۰ آبان) دوباره به بیمارستان بازگرداندند. در دوره‌های زندان قبلی، هر دو کلیۀ آقای صالحی از کار افتاده است و او باید هفته‌ای دو بار برای دیالیز به بیمارستان برود. محمودصالحی اگر در زندان بماند، جانش به طور جدی در خطر خواهد بود.

علاوه بر این، رضا شهابی عضو اجرایی هیئت مدیرۀ سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه نیز از سال ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) بارها به زندان افتاده است. او را در روز ۹ اوت ۲۰۱۷ (۱۸ مرداد ۱۳۹۶) دوباره به زندان بردند. آقای شهابی نیز از بیماری‌هایی جدی رنج می‌برد که از قرار معلوم به علت بدرفتاری با او و شکنجۀ او در دوره‌های بازجویی در زندان بوده است. رضا شهابی باید برای مداوای تخصصی در بیمارستانی مجهز بستری شود. رضا شهابی باید بدون قید و شرط از زندان آزاد شود زیرا او همۀ دورۀ محکومیت خود را به پایان رسانده است.

همچنین، اتحادیۀ جهانی اینداستریال بار دیگر از دولت ایران می‌خواهد که کنوانسیون‌های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار درباره‌ی آزادی تجمع و حق تشکل، و حق داشتن سندیکا و چانه‌زنی دسته‌جمعی را تصویب و اجرا کند.

ما از دولت ایران می‌خواهیم که به دستگیری و سرکوب فعالان کارگری پایان دهد. ما مجدداً بر خواست خود در مورد آزادی بی‌قید و شرط محمود صالحی، رضا شهابی، و همۀ فعالان کارگری زندانی تأکید و تصریح می‌کنیم.

منتظر پاسخ و اقدام بی‌درنگ شما هستیم.

با احترام، والتر سانچز، دبیرکل ژنو، ۱۵ نوامبر ۲۰۱۷ (۲۴ آبان ۱۳۹۶)

رونوشت: دفتر مطبوعاتی ریاست‌جمهوری، دفتر رهبری، سازمان حقوق بشر ایران، نماینده‌ی دائمی ایران در سازمان ملل متحد

درخواست ۱۰۰۰ کارگر از صدا و سیما

به نام خدا

ریاست محترم صدا و سیما

مدیریت محترم شبکه خبر و جناب آقای سیدمهرداد سید مهدی

با سلام ، ما کارگران پارس جنوبی و پالایشگاه‌های بندر عباس و بوشهر امضا کننده این متن، از گروه خبری شبکه شما دعوت می کنیم برای پوشش دادن مشکلات کارگران پروژه های پارس جنوبی ، گروهی را به منطقه اعزام کرده تا صدای ما کارگران به گوش مسوولین رسیده و اقدامی در جهت رفع مشکلات کارگران پروژه ای انجام شود.

در ضمیمه این نامه ۱۰۰۰ امضای کارگران پروژه ای که با کدملی خود امضا نموده اند را برایتان ارسال می کنیم.

خواهشمندیم در صورت حمایت شما از ما کارگران بی حامی و فراموش شده، با نمایندگان کارگران آقایان مازیار گیلانی نژاد و ارسلان امینی برای تنظیم و هماهنگ کردن تاریخ و مکان مشخص به جهت تهیه گزارش و مصاحبه با خود کارگران در مکانی مشخص که شما تعیین کنید حضور بیابیم.

خواهشمندیم هماهنگی و دستورات لازم را مبذول فرمایید قبلن از همکاری شما سپاسگزاریم

«این نامه هم دفتر شبکه خبر و هم به دفتر آقای سید مهدی رییس خبرگزاری صدا و سیما در تاریخ ۱۵ آبان داده شد.

همچنین خبر این درخواست در روز ۱۶ آبان در خبرگزاری ایلنا درج شد.»

تسلیت به مردم زحمتکش کرمانشاه!

می گویند گنج بر روی خزانه می نشیند و لابد آوارهم باید بر روی ویرانه ها بشیند!

نزدیک به دو دهه از جنگ ایران و عراق می گذرد که هنوز در بسیاری از مناطق کرمانشاه خصوصاً در شهرها و روستاهای مرزی از جمله قصرشیرین و سرپل ذهاب و حومه ی آنها آثار جنگ خودنمایی می کند. جای زخم ترکش ها بر جسم درختان نخل های قصرشیرین التیام نیافته، بازسازی شهرهای جنگزده کامل نشده و زندگی در این شهرها رونق گذشته را پیدا نکرده است. بیکاری و بی امکاناتی بیداد می کند. هنوز خستگی روحی و جسمی از تن اسیران این منطقه بیرون نرفته و غم از دست دادن عزیزان خانواده ها فروکش نکرده، که زلزله باعث ویرانی، آوار و تخریب زیر ساخت ها، مناطق مسکونی و تجاری و..... به همراه کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از ساکنین استان کرمانشاه به آن اضافه شد.

استان کرمانشاه قبل از جنگ جزو استانهای رشد یافته ی ایران محسوب می شد که متأسفانه در زمان جنگ به دلیل هم مرزی با عراق دچار خسارتهای ویرانی های فراوانی گردید. با گذشت نزدیک به دو دهه از پایان جنگ، کرمانشاه نه تنها به جایگاه قبل از آغاز جنگ با عراق بازنگشت، بلکه به دلیل رشد نیافتن زیر ساخت های اقتصادی و عدم ایجاد تحول در بخش کشاورزی با آمار بیشترین تعداد بیکاران به نسبت جمعیت در ایران داراست. استان کرمانشاه به دلیل نبود اراده و برنامه ای در جهت بهبود این مشکلات سالهاست محروم مانده است.

سئوالی که اکنون قابل طرح می باشد این است که آیا بعد از مدتی این تب و تاب اولیه زلزله فروکش می کند و می ماند مردمی فراموش شده با دستان خالی که نظاره گربدختی های مضاعف از زلزله باشند. اضافه شدن خرابیهای زلزله به آثار از بین نرفته جنگ و در نهایت آواره شدن تعداد بیشتری از مردم استان کرمانشاه به سوی تهران و کرج و ساوه و..... و گسترش حاشیه نشینی

و شغل‌های کاذب دیگر آینده‌ی است که در انتظار مردم استان کرمانشاه است. و کسی در بین مسئولین به فکر حل آنها نیست.

سندیکای فلزکارمکانیک ایران ضمن عرض تسلیت به مردم کرمانشاه و خصوصاً خانواده‌هایی که عزیزان خود را از دست داده‌اند و آرزوی بهبودی هرچه سریعتر مصدومین حادثه زلزله ۷۳ ریشتری از مسئولین می‌خواهد ضمن رسیدگی و اقدام فوری برای ارایه کمک‌های اولیه به مصدومین و تأمین نیازهای فوری مردم آسیب‌دیده و همچنین کمک‌های ضروری به خانواده‌هایی که عزیزی یا عزیزانی را از دست داده‌اند، اقدامات مناسبی نیز برای اسکان مناسب و رفع نیازهای غذایی، بهداشتی، دارویی و آب و برق به عمل آورند. و همچنین با تشکیل کمیته‌های تخصصی و کارگروه‌های استانی و کشوری عملیات بازسازی و جبران خسارتهای به‌وجودآمده عملیاتی نمایند. هر چند الام مردم همچنان پابرجاست.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران شکایت از سازندگان مسکن مهر استان کرمانشاه را وظیفه خود دانسته و در این زمینه اقدامات لازم را انجام خواهد داد.



سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۲۲ آبان ۱۳۹۶

همراه شو عزیز تنها نمان به درد

کاین درد مشترک هرگز جدا جدا درمان نمیشود

کارگران ، هم سرنوشتان ستم دیده ؛

بعد از شنیدن خبر وحشتناک زلزله در غرب ایران از جمله مناطق اطراف کرمانشاه و شهرها و روستا‌های مرزی ایران و عراق و کشته شدن صدها انسان بی گناه و زخمی شدن هزاران انسان و تخریب هزاران محل سکونت، که به گفته خبرگزاری‌ها مرگبارترین زلزله سال جاری جهان نام برده اند، غم ، ماتم و نگرانی بزرگی بر همه ما سایه انداخت و یک بار دیگر در کنار این حادثه بسیار تلخ و ناگوار، تعدادی از آن زلزله ها که بر سر ما فرود آمده است را برشمردیم. به گلوله بستن کولبران، اخراج و قرارداد های سفید امضاء و موقت، بیکاری گسترده، احکام زندان و شلاق کارگران، بازداشت نمایندگان کارگری و به غل و زنجیر بستن آنها بر روی تخت بیمارستان، حمله به صف کارگران گرسنه، به گلوله بستن کارگران خاتون آباد، دستمزد های چهار برابر زیر خط فقر، سفره خالی مردم زحمتکش، نبود تحصیل رایگان و فضای آموزشی مناسب، وجود کودکان کار و خیابان، کودک آزاری و تجاوز، اعتیاد و فساد، وجود " زن " های برتر، نابرابری ها و تبعیض های جنسی و ملی، نبود آزادی بیان، اندیشه، تشکل، تجمع و اعتصاب، نبود امکانات پزشکی، بهداشتی و درمان مناسب و رایگان، نبود خدمات اجتماعی رایگان برای تمامی احاد جامعه ، وجود فساد و رشوه خواری، ضرب و شتم و کشتن دستفروشان، وجود ریزگردها ، وجود استثمار افسارگسیخته و...بله این زلزله ها و پس لرزه ها قابل شمارش نیستند!...

بعدا فکر کردیم که عامل تمامی این بدبختی ها، نظام سرمایه داری است. باز هم فکر کردیم آیا نمی شود در چنین شرایطی کارگران و توده های فرودست جامعه از حداقل امکانات زندگی بهره مند شوند؟ آیا نمی شود کسانی که خود

را دولت می نامند تنها فقط مقدار ناچیزی از درآمد هایی که حاصل رنج کار ما کارگران است را صرف رفاه و امنیت و آسایش افراد این جامعه کنند؟ شاید سرمایه داران و " ژن " های برتر، واعظان و حافظان این مناسبات، تصور می کنند که ما کارگران و توده های فرودست جامعه در قرن بیست و یک ، باید به مانند مردم قرون وسط اندیشه کنیم و در مقابل این حوادث طبیعی، خود را مقصر بدانیم! و تاوان مکافات و جنایات ناکرده را پس دهیم!!

حاکمان گفتند برایتان خانه ساخته ایم !!! (مسکن مهر) تازه مشخص شد که آنچه ساخته اند مسکن نبود، بلکه قتلگاهی بود برای کودکان و دیگر عزیزانمان!

ما می دانیم که زلزله ، سیل و هر حادثه طبیعی دیگر میتواند خارج از اراده بشر رخ دهد، اما ما کارگران خواندیم و شنیدیم و دیدیم که با توجه به وجود دانش، تکنولوژی و فن آوری های جدید بشری، می شود با خشم طبیعت به مبارزه برخاست و هزینه های تخریب آن را به حداقل ممکن رساند. ما کارگران باز هم اندیشیدیم و دیدیم و شنیدیم که آنچه حامی ماست، خود توده های رنج و کار هستند و چه پرشور. ما شاهد کمک های مردمی بوده و هستیم که در دل نا امیدی مردم زلزله دیده، به کمک آنها شتافتند. درود بر اراده شما ، درود بر همبستگی شما.

سندیکای کارگری نیشکر هفت تپه همراه با کارگران این شرکت از صمیم قلب به بازماندگان این حادثه دلخراش و بسیار ناگوار تسلیت گفته و خود را در این غم بزرگ شریک می دانیم.

یاد عزیزانی که قربانی زمین لرزه شدند گرامی باد!

سندیکای کارگری نیشکر هفت تپه

تاریخ ۱۳۹۶/۸/۲۴ خورشیدی

ترس و وحشت از . . . !؟

Kmkoomak.wordpress.com

خبر کانال ۵ تلویزیون یا کانال تهران، ساعت ۱۸،۳۰ مورخه ۲۳ آبان ماه ۹۶ جناب وزیر آموزش و پرورش: ۷۴ هزار دانش آموز امسال از تحصیل باز مانده اند.

آن سوی چهره این خبر، ابعاد بیشمار بیکاری در میان کارگران ایران است، که قادر نیستند هزینه زندگی خانواده اشان را تامین کنند تا چه رسد به تامین هزینه های تحصیلی کودکان شان، یکی از علل ناتوانی کارگران و دیگر زحمتکشان شهر و روستا روند خصوصی سازی های دولت است که بر خلاف اصول قانون اساسی کشور همه ارکان جامعه را در بر گرفته است و جناب وزیر هم، یکی از مجریان آن است. آری با خصوصی سازی آموزش و پرورش دارند به فاجعه بیسوادی در کشور دامن می زنند و خود را به فراموشی زده اند که قانون اساسی دولت راموظف کرده است آموزش و پرورش رایگان را در ایران کاربردی کند. با توجه به آمار کودکان خیابانی که برای امرار معاش خانواده هایشان روانه خیابان های شهر ها شده اند. این اظهار نظر جناب وزیر از فاجعه ای خبر می دهد که چندی پیش مشاور ارشد رییس جمهور هم به آن، به صورت گنگ و مبهمی اشاره نمودند. (برجام دوم) خبر بعدی که یک گزارش مستند از فاجعه ای است که شهرک های صنعتی کشور را در خود دارد مدفون می کند: گزارش شبکه مستند ۲۸ آبانماه ۹۶ ساعت ۲۰ از شهرک صنعتی شهرکرد:

" -از هر خیابان شهرک صنعتی تنها یکی یا دو کارگاه تولیدی مشغول به کار است آن هم نه با همه ظرفیت بلکه کارگاهی که با ۳۰ نیروی کار (کارگر) تولید می کرد امروز با دو یا سه کارگر کار می کند. بقیه همه به دلیل نبودن کار و عدم سودزایی اخراج شده اند." و کارگاه ها تعطیل شده اند.

در واقع در یک شهرک صنعتی بیش از ۹۰ درصد کارگاه های تولیدی تعطیل شده اند. این اعترافات نماد یک رشد صنعتی دولت های پس از جنگ است که علاوه بر عدم توسعه صنعتی، آنچه را هم که داشته ایم از دست داده ایم. زیرا پاسداری از قانون اساسی کشور را به دورانداخته اند و با مسخ برخی اصول قانون اساسی به خصوص اصل های ۴۵ - ۴۴ که نوع مناسبات اقتصادی کشور را مشخص کرده و حقوق مردم را به صراحت اعلام نموده است. خود را و مملکت را به جریان کور بازار جهانی سپرده اند. با این ترفند ساده لوحانه که " دولت کارفرمای خوبی نیست " و با این اقرار و باور، عدم شایستگی خود را در اداره مملکت افشا نموده اند. ولی با این وجود با همه توان اهرم های قدرت را رها نمی کنند در حالی که در عمل نشان داده اند دولت های پس از جنگ بدون استثناء بر خلاف وظیفه اشان پاسداری از قانون اساسی و کاربردی کردن اصول آن را به توصیه های صندوق بین المللی پول به گونه ای خزنده به دور ریخته اند، و مناسبات امپریالیسم جهانی (نولیبرالیسم) را برای پیوستن به " دهکده ی جهانی " هدف قرار داده اند. حاکمیت با دنبال کردن سیاست های نولیبرالی از یک سو و پیوستن به جنگ سنی و شیعه از سوی دیگر در دام پیچیده امپریالیسم گرفتار آمده و ندانسته منافع او را در خاورمیانه تامین می کند. (امریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی با فروش میلیاردها دلار اسلحه به عربستان، امارات کویت و قطر چرخ های اقتصاد بحران زده اشان را به گردش درآورده اند) امروز شاهد جنگ در همه مناطق نفت خیز جهان هستیم و خیل فروش اسلحه امپریالیسم های پیر و جوان اقتصاد در حال سقوط کشورهای در بحران غربی را به رونق رسانده است. امپریالیسم از یک سو به فعالیت مساجد و هابی یاری می رساند تا القاعده ها، طالبان ها و داعش ها و ... را در اروپا و امریکا تولید کند و به منطقه مورد نظرش ارسال کند، تا چهره ی دد منشانه خرافات را عمومی نماید زیرا دوام ساختار بیمارش وابسته به جنگ و جهل توده های مردم است. در این میان برخی، در حالی که در این دام افتاده اند کودکانه برای خود دست می زنند و شادند که در منطقه قدرت گرفته اند و درحال انجام چه کار بزرگی هستند. جنگ آن امکان واقعی است که توانسته امپریالیسم را بر پاهای لرزان بحران زده ی ابدیش هم چنان نگهدارد. باید یاد بگیرید گاهی حتی رو درویی با عوامل سرمایه داری جهانی به بقای آن یاری می رساند، باید پیچیدگی سیاست های پشت پرده ی این ساختار بیمار را

بشناسید نه از سویی اقتصادش را با تغییر نام بپذیرید (تعدیل ساختاری و خصوصی سازی) و به جنگ طلبیش دام بزنید.

چند روز پیش از اعتراف وزیر آموزش و پرورش نمایندگان مجلس با نگرانی اعلام نمودند: **تعداد آموزگاران کشور نسبت به دانش آموزان بسیار کمتر است و آموزش و پرورش هیچ برنامه ای برای استخدام آموزگاران جدید ندارد.** لذا چند سال دیگر که برخی از معلم ها بازنشسته شدند مملکت با کمبودی اساسی مواجه خواهد شد".

حاکمیت عجیبی است از یک طرف نمایندگان به اصطلاح مردم و دولت چهار نعل تعدیل ساختاری و خصوصی سازی را به پیشنهاد صندوق بین المللی پول کاربردی می کند و علت همه بدبختی مملکت را در عدم خصوصی سازی می دانند و از سوی دیگر اشک تمساح می ریزند که کودکان کار داریم و از تحصیل باز مانده اند و کارگاه های صنعتی در حال ورشکستگی هستند!!!! آیا این جماعت آنقدر ناآگاه هستند که خود نمی دانند چه می گویند؟! و یا این هم یک ترفند خرنده برای واگذاری و حذف قانون کار و قانون اساسی از نهاد های دولتی است، زیر پوشش کارورزی و امثال آن؟! آیا این اشک تمساح ها، آن دم بریده مارمولک نیست که در دست صیاد ساختار شاهنشاهی ولی ناکام انقلاب، مردم، باقی مانده است؟

ابعاد بیکاری هر روز بیشتر همه جامعه را به چالش می گیرد ولی سر سپردگان مناسبات اقتصادی امپریالیستی با دست کاری در آمار یا بزعم برخی آقایان " مهندسی آمار" هم چنان بی خبری در جامعه را دامن می زنند. این آقایان نمی دانند مدت هاست که مردم با ماسک در مقابل آنها ظاهر می شوند و دیگر کسی به گفته های "مهندسی" شده اشان باور ندارند. علاوه بر این همه نگرانی برای آینده نظام، شاهد خبرهای تلخ ولی خنده داری هستیم که مرتب در رسانه های دولتی منتشر می شود. اعتراض به قاچاق کالا و دستگیری محموله هایی که به ظاهر قاچاق هستند. تلخ، چون این شیوه خبررسانی به جامعه توهمین به شعور مردمی است که در تاریخ جهان پس از اروپا اولین ملتی بود که با مشت آهنین مبارزه مسلحانه، انقلاب مشروطه را به پیروزی رساند و تاثیر ژرفی در روند

مبارزات ضد استبدادی در آسیا به جا گذاشت و با مبارزات دهه ۲۰ - ۳۲ مبارزه با استعمار را کاربردی کرد که این مبارزات را در خاورمیانه و آسیا تشدید کرد و چند دهه بعد با انقلاب مردمی ۲۲ بهمن جزیره آرامش امپریالیسم ساخته شاه را برای نوکران امپریالیسم به جهنم بدل کرد و شاه مقتدر را به زباله دان تاریخ فرستاد، در آن شرایط غیرمنتظره انقلابی نه ارتش و نه بزرگترین سازمان امنیت پس از سیا و موساد نتوانستند این نوکر امپریالیسم را نجات دهند. ولی گویی کورانديشان مناسبات قوانین کور بازار (عرضه و تقاضا) نمی توانند این واقعیت ها و درسهای ابتدایی تاریخ را درک کنند. در هر صورت به کار بردن واژه قاچاق در نظامی که تعدیل ساختاری و خصوصی سازی را پذیرفته و مدتی نزدیک به ۳۰ سال است که با دولتهای رنگارنگ آن را کاربردی می کند نادرست و حیرت انگیز است. یا ناشی از یک جهل مرکب است و یا ترفندی برای مبارزه قدرت و خارج کردن رقیب از عرصه غارت منابع کشور است. در حالی که اکثر قاطع مرزهای هوایی و زمینی و دریایی کشور به مناطق آزاد و تجاری - صنعتی تبدیل شده است و در عمل از شمول قانون کار و قانون اساسی خارج شده اند، لذا از نظر مناسبات اقتصاد نولیبرالی، واردات کالا بدون دخالت دولت امری است قانونی و به همین دلیل خرید و فروش آن در کشور امری است آزاد، نه قاچاق. اگر حاکمیت پایبند قانون اساسی بود و تجارت خارجی را به دلالت ها نسپرده بود و بر آن نظارتی استقلال طلبانه ای داشت، قاچاق معنایی می یافت. نه امروز که دولت اعلام می کند و با قاطعیت مناسبات تعدیل ساختاری و خصوصی سازی را کاربردی می کند.

اگر باور دارید کودکان خیابانی نباید وجود داشته باشد، اگر معتقد هستید کودکان نباید از تحصیل باز بمانند، اگر برای صنایع منهدم شده کشور دل می سوزانید و بیکاری و فقر و فساد اجتماعی و نابودی تدریجی محیط زیست را تایید نمی کنید، اگر روند موجود را ناکارآمد می دانید، از دویپهلوگفتن پرهیز کنید و یکی به نعل و یکی به میخ نزنید و شجاعانه اعلام نمایید مناسبات موجود بیکاری، فقر اعتیاد، فساد اجتماعی و ورشکستگی اقتصادی و صنعتی را به ارمغان آورده است و باید طرد شود. واردات کالا زیر نظر دولتی که در عمل قصد دارد اصل های ۴۴ - ۴۵ قانون اساسی را کاربردی نماید و جامعه

صنعتی کشور را به قانون کار برگرداند کنترل گردد. در حالی که روند عملی همه دولت های پس از جنگ هرچه ژرف تر فرو رفتن در باتلاق فقر و بیکاری و نابودی صنایع وطنی و برآیند آن فساد اجتماعی و فسادمالی دولت مردانی است، این گونه پرداختن به نارسایی ها، آن هم پس از افشای حقوق های چند صد میلیونی چه هدفی را پی می گیرد؟! پس از با خبر شدن مردم از پاداش ها و حقوق های نجومی برخی از آقایان با بی شرمی اعلام می کنند: " این حق ماست ما انقلاب کرده ایم " آنهایی که انقلاب کردند یا در گور آرمیده اند و یا در گوشه های زندان و یا محرومیت ها به سختی روزگار می گذرانند، این افشاگری ها در حالی صورت می گیرد که نظام به خوبی اطلاع دارد سرمایه داران وطنی از پرداخت چندرغاز حقوق کارگران خودداری می کنند. کارگران قرارداد موقت ایران (پروژه ای) ها از پیمانکاری در ایران نیست، که ماه ها حقوق طلب کار نباشند. ولی هیچ نهاد به ظاهر قانونی از حقوق قانونی آنها حمایت نمی کند، آیا حاکمیت با این شیوه عمل کرد، اعلام نمی کند قانون، قدرت است هر که قوی تر است صاحب حق است و حرف اول را او می زند، یا همان قانون معروف "جنگل". در این صورت باید گفت بازگشت به مدنیت برده داری بر آقایان مبارک باد. از یاد ما نرفته است روز های پیش از پیروزی انقلاب را که فرهنگیان و جوانان شریعتی زده اعلام می داشتند با روی کار آمدن حکومت مذهبی عدالت اجتماعی کاربردی می شود و . . . سرمایه داری به فراموشی سپرده می شود و . . .

پرسشی که ما را وادار به این نقد نمود اعلام های دو پهلوی مسولین و رسانه های دولتی از نارسایی ها است. گویی در پشت این اظهار نظر های دوپهلوی یک وحشت نهفته است که به آنها شهامت یک نقد بدون ابهام را نمی دهد. وحشتی که معلوم نیست ریشه آن در کجاست. از سوی دیگر گفتگویی از راه کار حل مسایل در میان نیست، در حالی که در عمل این نمایندگان مجلس و وزرای دولت هستند که می باید از راه کارها اطلاع داشته باشند. ولی ترس ترسی هولناک مانع شده که مشاور ارشد دولت به صراحت ساختار اقتصادی را به چالش بگیرد و وزیر و وکیل مجلس هم، دم فرو می بندند.

اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران سخن گو ناصر آقاجری ۳۰ ابان ۱۳۹۶

براساس آخرین پرینت زندان، رضا شهابی کارگزندانی ۱۸ دی ماه از زندان آزاد می شود!

طبق آخرین صورت وضعیت که کارگر زندانی رضا شهابی از زندان دریافت کرده است. تاریخ آزادی اش از زندان هیجدهم دی ماه سال ۹۶ ثبت شده است. این راننده زحمتکش شرکت واحد با وجود اینکه طبق نامه ای که خودش در پرونده زندان مشاهده کرده است؛ محکومیت حبس پنج ساله اش ۹۴/۶/۲۴ به پایان رسیده بود. با فشار دادستانی تهران و با بهانه اینکه سه ماه از مرخصی اش تایید نشده برای گذراندن سه ماه حبس، خود را به زندان رجایی شهر معرفی کرد.

اما پس از ورود به زندان اجرای احکام زندان به ایشان ابلاغ کرد که ۹۶۸ روز از مرخصی پزشکی تایید نشده و غیبت محسوب شده و باید معادل ایام غیبت، زندانی باشد. در اعتراض به این اقدام فرا قانونی شهابی پنجاه روز اعتصاب غذا کرد و کارگران در داخل و خارج از کشور شدیداً نسبت به این اقدام فراقانونی دادستانی تهران و نهادهای امنیتی اعتراض کردند.

رضا شهابی با وجود اینکه محکومیت اش به پایان رسیده بیش از سه ماه است که همچنان زندانی است و قصد دارند تا هیجدهم دی ماه ۹۶ همچنان او را در حبس نگاه دارند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه حکم زندان رضا شهابی و دیگر کارگران و معلمان را محکوم می کند. و اقدامات دادستانی تهران و نهادهای امنیتی برای به بند کشیدن این کارگر زندانی، علی رغم پایان محکومیت اش را اراده فراقانونی آنان برای فشار بیشتر بر شهابی به امید منصرف کردن وی از فعالیت های سندیکایی و دفاع از حقوق کارگران می داند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۲ آذر ماه ۱۳۹۶

ابراهیم مددی نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد به شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر فراخوانده شد



ابراهیم مددی عضو دیگر هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد در تاریخ دوازدهم آذر ماه باید در شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر دادگاه انقلاب حاضر شود، ابراهیم مددی و داود رضوی در نیمه های شب هشتم اردیبهشت ماه توسط نیروهای اطلاعات در منزل شخص شان همزمان بازداشت شدند و بعد از ۲۲ روز بازداشت در بند انفرادی زندان ۲۰۹ اوین، با قرار وثیقه صد میلیون تومانی آزاد شدند و در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب مجموعاً به ده سال و سه ماه حبس تعزیری محکوم شدند.

در همین ارتباط دیروز سیزدهم آبان ماه دادگاه تجدید نظر داود رضوی در شعبه ۳۶ برگزار گردید

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

آبان ماه ۱۴

هجوم به فعالین کارگری را محکوم می کنیم!

در هفته های اخیر اخبار نگران کننده ای از هجوم جدید به کوشندگان کارگری به گوش می رسد.

هنوز رضا شهابی راننده دربند به امکانات پزشکی دسترسی ندارد و در زندان به سر می برد. در همین حال محمود صالحی از مقابل بیمارستان به زندان برده می شود. و این در حالی است که جعفر عظیم زاده، علیرضا ثقفی به زندان احضار شده اند و در چند روز آینده داود رضوی نیز به دادگاه برده می شود. حمید شرقی به دادگاه رفته و ۲ سال حکم برایش منظور شده است.

آیا این هجوم برای عقب راندن جنبش متشکل سندیکایی و جنبش کارگری نیست تا آنان را از کوشندگان خود محروم سازد؟؟؟

آیا به این دلیل نیست که جنبش کارگری دیگر محصور در کارخانه نمی ماند و اعتراضات خود را به سطح شهر کشانده است؟؟

آیا به این دلیل نیست که می خواهند به جنبش بیکاران لگام زده و اعتصابات هر روزه کارگران نفتگر را خنثا نمایند؟

آنچه به جنبش کارگری و جنبش سندیکایی مربوط است یک قدم از خواسته های خود عقب نشینی نخواهیم کرد و کوشندگان کارگری را آزاد و امنیتی کردن اعتراضات کارگری را نخواهیم پذیرفت و از هر گونه تلاشی برای آزادی کوشندگان در بند کوتاهی نمی کنیم.

ما عقب انداختن ششماه حقوق کارگران نفتگر را با تصویب قانونی که جریمه مناسب برای کارفرمایان در نظر بگیرد را خواهانیم.

ما سندیکاهای کارگری را آزاد و محدود کردنشان را زیر پا گذاشتن اصل ۲۶ قانون اساسی و مقاله نامه های ۹۸ و ۸۷ سازمان جهانی کار می دانیم.

اعتصاب و اعتراض حق ماست و در اصل ۲۷ قانون اساسی به آن تاکید شده است و از این حق حتا به قیمت زندگیمان عقب نشینی نخواهیم کرد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۱۳ ابان ۱۳۹۶

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ذوب آهن و مشکلات کارگران



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

۱- با وجودی که بارها در مورد وام و سیستم معیوب کسر اشتباهی از حقوق کارگران گفته شده متاسفانه باز هم دیرکرد وام های کارگران توسط بانک ها در شرکت با توجه به کسر از پرفراژ حقوقی کارگران همچنان ادامه دارد. مدیریت مالی چه زمانی می خواهد این مشکل را رفع کند؟

۲- چگونگی محاسبه هزینه های پزشکی و دندان پزشکی از بیمه ایران کارگران از مشکلات همیشگی کارگران است. متأسفانه در درمانگاهها و بیمارستانها اجزای نسبت به کسر تعرفه از بیماران مشاهده شد و قبلن هم به مدیریت بیمه گفته شده بود که متأسفانه هنوز هم ادامه دارد. مدیریت بیمه چرا رسیدگی نمی کند؟

۳- تعدادی از کلینک های داندن پزشکی با بیمه ایران قطع همکاری کرده اند که باید رسیدگی شود.

۴- سیستم تاسیساتی متالوژی از کار افتاده و مدیریت انرژی با سهل انگاری برخورد می کند. این درحالی است که سیستم ها می باید زمان بندی تعمیر و نگهداری داشته باشند و قبل از کار افتادن سیستم تعویض و تعمیر شوند

۵- با توجه به ساخت و نصب دیفیوزر برج های فشار قوی از جنس فایبرگلاس در شرکت به دست کارگران و مهندسین که باعث صرفه جویی در هزینه های شرکت شده است ، ما خواهان تشویق و درج در پرونده و پاداش مناسب به کارگران و مهندسین این پروژه هستیم.

۶- مصوبه بازنشستگی پیش از موعد کارگران صندوق فولاد در شرکت اجرایی نمی شود و مدیریت از این امر شانه خالی می کند چرا؟؟

۷- با صرفه جویی ۲ میلیارد تومانی در نسوز چینی شایسته است به تلاش چندماهه کارگران نسوز ناحیه فولاد در برشکاری آجرها پاداش خوبی منظور گردد

۸- پذیرایی شیفیت شب کارگران متوقف شده است چرا پیگیری از سوی مدیریت مربوطه انجام نمی شود؟

۹- در صورت امکان دستگاه خودپردازی در درب راه آهن برای استفاده کارگران نصب شود.

۱۰- با توجه به اینکه مبلغ قبلی واریزی در کارت شرکت تعاونی هنوز مورد استفاده کارگران قرار نگرفته است ، واریز مبلغ جدید به چه معناست؟

۱۱- چرا از کارگران بخش CM و تعمیرگاه الکتریکی نت برق به دلیل نصب و انجام بالانس دین کلی کارگاهی بر روی روتورهای بالای ۱۰ تن قدردانی و پاداش مناسب داده نمی شود؟؟

۱۲- کارگران کارگاه میانی مدیریت مهندسی نورد باید به دلیل تولید و ساخت قطعات مورد نیاز ذوب آهن که باعث صرفه جویی و سود آوری شرکت شده است تشویق و پاداش مناسب دریافت کنند.

۱۳- شرکت تعاونی به دلیل داشتن موقعیت مناسب فروش می تواند کالاهای بسیاری از کارخانه ها را مونوپل کرده و با خرید های با حجم زیاد و قیمت پایین از این کارخانه ها تا حدودی مشکل گرانی را برای کارگران آسان کرده و دست واسطه ها را کوتاه کند. خرید از کارخانه هایی که محصولات با کیفیت دارند با قیمت مناسب از وظایف هیات مدیره تعاونی و از خواسته های اعضای تعاونی می باشد. تا هم کارگران محصول با کیفیت و ارزان بخرند و هم به کارخانه های تولید با اینگونه خرید ها کمک بشود. حق کارگر ایرانی خرید جنس با کیفیت و ایرانی است.

۱۴- با توجه به ابتکارات کارگران برای صرفه جویی هزینه های شرکت در قسمت طراحی قطعات ، لازم است به کارگران این بخش توجه و پاداش های لازم داده شود.

۱۵- آسانسور تشریفاتی کنورتور خراب شده است و مدیریت فولاد سازی جز حرف های بی پشتوانه مانند: « خرید تجهیزات انجام شده... نیاز به همکاری و مساعدت...» پاسخی ندارد. آیا نباید تعمیر و نگهداری این موارد برنامه ریزی شده باشد؟؟؟ تا امروز به چنین مشکلی مبتلا نشویم؟؟

۱۶- نحوه پرداخت وام مسکن به کارگران شفاف نیست و باید با هماهنگی سرپرستان روابط صنعتی و قسمت ها انجام گیرد. در کجای دنیا برای وام مسکن باید سرپرستان تصمیم بگیرند، نه اولویت ها؟؟؟

۱۷- عدم برنامه ریزی مرتب و منسجم در تعمیر و نگهداری تاسیسات موجب قطع آب قسمت آپاراتی چهار صد دستگاه شده است.

۱۸- در سال جاری بیشترین مراجعه کارگران و کارکنان به مشاوران شرکت در خصوص خستگی مفرط و خستگی از کار و زندگی بوده است.

مشکلات کارگران دفتر فنی مدیریت تولیدات کک ذوب آهن

۱- چرا آموزش لازم برای کارگران متخصص این دفتر فنی صورت نمی گیرد

۲- اجرای موضوع سختی کار در سوابق بیمه ای ما، در روحیه کارگران اثر گذاشته و بی تردید بهره وری را نیز بالا خواهد برد

۳- عدم تبدیل مدرک کارگران با سابقه از دیگر خواسته های ما کارگران است

۴- تا قبل از بازنشستگی کارگران ماهر این قسمت، شرکت نسبت به استخدام و آموزش کارگران در این بخش اقدام کند و بهترین راه هم استخدام فرزندانمان به جای پدرانشان است

۵- سیستم گرمایشی رستوران تولیدات کک و مواد شیمیایی به درستی کار نمی کند و تاسیسات و مدیریت مربوطه جهت رفع این مشکل تاکنون اقدامی نکرده اند.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مشکلات کارگران مکانیک (۴۸) ذوب آهن

۱- در حالی که کارگران توانسته اند نه تنها قطعات ساخت ایتالیا را در کارگاههای تراشکاری تولید کنند و به خارج شدن ارز از کشور و منابع مالی ذوب آهن نقطه پایانی بگذارند، اما مشکلات کارگری آنان رسیدگی و رفع نمی شود و به ویژه از زمانی که تبدیل وضعیت شده اند، سابقه کاری آنان منظور نگردیده است.

۲- بسیاری از کارگران این کارگاه که سابقه طولانی و تجربه و مهارت بسیار دارند از گروه شغلی پایینی برخوردارند که باید رسیدگی و حل شود

۳- تراشکاران این کارگاه از سختی کار محروم هستند.

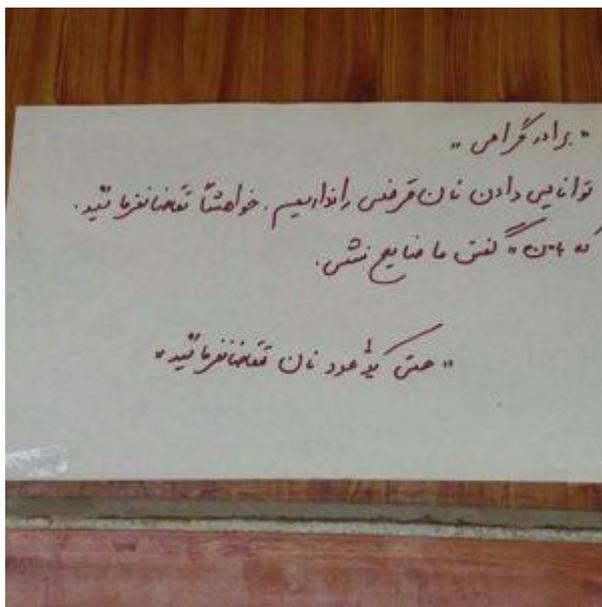
۴- حقوق کارگران قرارداد معین این کارگاه در طرح طبقه بندی مشاغل رعایت نشده است و کارگران رسمی و قراردادی با داشتن گروه و سمت یکسان، دریافتی های متفاوتی دارند که باید سریع رفع شود

۵- تکنسین های این کارگاه از موضوع مشاغل سخت و زیان آور محرومند.

۶- مدیریت برای جایگزینی این افراد که در سالهای آتی بازنشسته خواهند شد باید به فکر تامین نیرو و آموزش کارگران جدید را در الویت کاری خود قرار دهد. برای تامین نیروی جایگزین چه کسانی بهتر از فرزندان این کارگران؟

سندیکاهای کارگری چشمان تیزبین کارگران آگاه و سنگر دفاع از حقوق کارگران است. به سندیکاهای کارگری بپیوندیم و یا در محل کار خود سندیکای کارگری ایجاد کنیم.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از هفت تپه



نانوایی هفت تپه بدلیل بی حقوقی کارگران این شرکت که حدود پنج ماهه حقوق معوق دارند اعلام کرد دیگر بیش از این نمی تواند نان قرضی به خانواده کارگران بدهد؛

کارگران هفت تپه دست کمی از مردم زلزله زده کرمانشاه ندارند. قابل توجه دولت و سازمان خصوصی سازی که یکی از شرایط واگذاری این مجموعه به خریدار این است که نباید بیش از دو ماه حقوق پرسنل این شرکت عقب افتاده داشته باشد

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از پروژه های ساختمانی

در پروژه بانک سپه واقع در چیتگر که مجری آن شرکت عمران آذرستان می باشد حوادث کاری تاکنون منجر به مرگ یک نفر جوشکار در سال ۹۴ و ۲ مصدوم جدی در سال ۹۵ و ۲ مصدوم هم در سال ۹۶ شده است.

آخرین آن در تاریخ ۹۶/۸/۱۴ بود که یک نفر ریگر (کسی که به راننده تاور یعنی جرثقیل هوایی فرمان می دهد) سرش بین یک بندیل ورق فولادی و یک پالت سرامیک قرار میگیرد که باعث خونریزی مغزی و مصدومیت شدید او گردید. این کارگر پس از عمل جراحی تا امروز در بخش ای سی یو بستری می باشد.

متأسفانه بخش ایمنی در این پروژه بسیار ضعیف عمل کرده است. این درحالی است که بازرسین وزارت کار در این پروژه هنوز برای یک بار هم برای بازرسی نیامده اند

گزارش تکمیلی:

در شرکت آذرستان که مجری پروژه بانک سپه در کوهک چیتگر می باشد در ابتدای پروژه طبق قراردادی که از سوی شرکت تنظیم شده بود همه مجبور به امضا شدند. قرارداد همه را موظف می کرد چه کادر اداری و اجرایی و کارگران بایست یک ماه حقوق آنها نزد این شرکت بماند. که برخلاف قانون کار می باشد.

این وضعیت مدت کوتاهی ادامه داشت و تاخیر پرداخت حقوق به ۲ ماه و سپس ۳ ماه و الان به ۴ ماه رسیده است. در حال حاضر ۱۵ ابان ۹۶ تنها دستمزد تیرماه پرداخت شده است. آن هم طی ۲ مرحله که در هر مرحله نصف حقوق پرداخت گردیده است.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مشکلات کارگران مدیریت آبرسانی حوزه فولاد



- ۱- تخصیص سختی کار مطابق با شرایط محیط کار برای کارگران این قسمت
- ۲- اعمال مدارک تحصیلی برای بالا رفتن دستمزدهای کارگران قسمت
- ۳- تامین قطعات درخواستی برای عدم توقف کار و پدید نیامدن رکود در تولید
- ۴- رده شغلی ما کارگران در این قسمت نسبت به کار انجام شده پایین است
- ۵- ایجاد محیطی آرام و بدون تنش و تشنج برای کارگران از سوی مسولین
- ۶- انجام تشویق های مالی برای بالا بردن روحیه کارگران
- ۷- برنامه ریزی تعمیرات زمان بندی شده در قسمت تعمیر و نگهداری برای از کار نیافتادن وسایل مورد نیاز قسمت، مانند خرابی آسانسور

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از پروژه های اردستان

من خودم اردستان اصفهان رفتم برای کار، در کارخانه فولاد اردستان. اصلاً فاجعه ای دیدم که نپرس. کار نکردم. اصلاً توی بیابون یک مشت آدمو، باور کنین گروگان گرفته بودن آشپز خونه و محل اسکانشون افتتاح بود. وضعیتی که کارگرای جوونو میکشوندن اونجا، با نام فنی کار، ماهر، و نیمه ماهر. هزاران کارگر رو برده بودن و بهشون گفته بودن بعد از یک هفته همه چیز درست میشه، ولی به قول برخی شون پنج شش ماهه هنوز اون هفته نرسیده بود. هر کسی اومده بود و بعداً خواسته برگرده هیچی دستشو نگرفته بود. بعضی هاشونونمی گذاشتن یک ماه کامل کار کنن تا حقوق بهشون بدن. بعد از چندروز به بهانه ای اخراجشون میکردن و پول برگشتن هم نداشتن. یعنی ماهها بوده از خیلی ها همینجور کارکشیده بودن. محل اسکانشون یک مرغداری قدیمی بود که فقط یک اتاق بزرگ ساخته بودن و همه کارگرا، با پتو و لباس و متکای خودشون تو همون یک اتاق بصورت کتابی میخوابیدن. غذای رستوران شام و ناهار چه غذایی!!! هر روز یکی از کارگرا میومدن و غذا می پختن اونم توآشپزخونه ای که یک کارداره ای بود و آب هم که نداشت. ماشین حمل و نقل کارگران یک زامیاد قدیمی بود که وسطش یک مخزن گازوئیل بود و کارگرا بهش آویزون بودند. حمام که هیچ هرکارگر شاید در هر دو هفته یکبار نوبت حمومش میشد.

من صبح رفتم غروب برگشتم. چون همه چیزش بماند، کل محوطه مگس بود، یک دونه حمام، یک دونه سرویس بهداشتی که نمیتونستی از شدت هجوم مگس داخلش بشی. کارفرما هرکاری کردکه یک هفته بمون درست میشه برگشتم. گفتم هفته دیگه برمیرگدم اگه شرایط درست شد میام. شماره چند تا از کارگراشو گرفتم. دو هفته بعد زنگ زدم. همونجور بود. کلاً اردوگاه کار اجباری سیبری بود اونم وسط ایران. از خیلی کارگرا یک هفته دو هفته کار کشیده بودن و بدون هیچ هزینه ای. وقتی از اردستان به سمت کارخونه می رفتیم، راننده تاکسی خودش می گفت خیلی ها رو آورده و برگردونده. این ادمهای پست پنج شش ماه به این شکل مجانی از خیلی ها کارکشیده بودن.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از عراق

سلام. خدمت هموطن های عزیزم

بنده حدود چهارماه پیش برای کار به کشور عراق رفتم. یه نفر هم معرف بین ما و شرکت عراقی بود که یه چیزی از سروته حقوق میزد برا خودش.

به دلیل اتمام وقت ویزا، مجبور به مرخصی اومدن شدم وقتی که برگشتم خرمشهر بهمون گفتن که شرکت نیاز نداره فعلا یه مبلغ کمی هم دادن بهمون اومدیم.

اینطوری شد که حقوق من و جمعی از دوستان کارگر شاغل در اون پروژه را ندادن. دستمون هم جایی نمیرسه. البته اگه همونجا پیگیری میکردیم شاید نتیجه می داد.

فقط محض اطلاع شما عرض کردم که اگر کسی بخواد به عراق بره واسه کار طرف مقابل را بشناسد و بعد اطمینان کنه. حالا شرکت پولمون را نمیده طرف مقابل هم میگه شرکت باید بدهد. از راه قانونی هم چون ویزاهای ما برای زیارت مُهر میشن میریم عراق همیشه شکایت کرد چون که خلاف قانون عمل کردیم. و واسه کار رفتیم. البته کل نفرات ایرانی غیر مجاز میرن واسه کار.

اگه کسی بخواد بره عراق سر کار روز اخری که خواست برگرده، تسویه حساب کامل کنه که مثل من و دوستان دیگه کلاه سرش نره.

حتماً!!!! با تسویه حساب کامل برگرده و اگه نیاز داشتن بهشون، دوباره ویزا بگیره و بره

من فقط واسه اطلاع رسانی عرض کردم. با تشکر

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت واحد اتوبوسرانی تهران



بیش از ۵۰۰ دستگاه اتوبوس دو کابین در توقفگاههای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه بدون راننده هستند و در کف این توقفگاه ها خاک می خورند، در حالی که هموطنان زلزله زده ما در مناطق زلزله زده از به شدت نیازمند کمک های انسان دوستانه مردم کشورشان هستند و در سرما کودکانشان فوت می کند. آیا شرکت واحد نمی توانست کمک های مردمی را با این اتوبوس ها ساماندهی کند؟ و مردم به جای راه انداختن صدها وانت و ماشین سواری، بطور رایگان کمک ها خود رابه مصیبت زدگان زلزله برسانند.

شرکت واحد و شهرداری تهران میلیاردها پول و صدها دستگاه اتوبوس را برای خدمت رسانی به زائران کربلا گسیل میدارند در حالی که الان هم از این اتوبوسها جهت کمک به هم وطن نان مصیبت دیده خود می تواند استفاده کند

خبرهای شرکت واحد به نقل از صفحه تلگرامی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

ساده انگاری مدیریت شرکت واحد و بکارگیری نیروهای غیر ماهر بعنوان مددکار/ همکار سامانه سه فوت شد

همکار مرحوم علی بخشی صبح روز ۹۶/۸/۱۹ در محل کار حالش خراب می شود و پس از اطلاع به مددکاری، مددکار بار اول بی اعتنایی کرده و پس از تماس دوم به همکار بیمار مراجعه می کند و بدون اینکه فشار وی را کنترل کند می گوید چیزی نیست. مرحوم ابراز می کند فکر کنم مشکل معده باشه من را به منزل ببرید تا با پسرم نزد دکتر خود بروم. ایشان را ساعت ۹ به منزل می برند مرحوم می خوابد و در خواب سکته قلبی کرده و فوت می کند.

شنبه ۹۶/۹/۴ ساعت ۷:۳۰ به مددکاری اطلاع داده میشه همکار سامانه سه مرحوم داود کمال خانی از هوش رفته مددکار پس از مراجعه به بیمار با اورژانس تماس می گیرد بیمار به بیمارستان منتقل و در ساعت ۹ صبح بعلت حمله قلبی فوت می کند.

همانطور که همه همکاران می دانند مدیریت ناکارآمد شرکت واحد رانندگان و کارگران سایر بخش ها در مددکاری به عنوان مددکار شاغل می کند. به دلیل اینکه این افراد اطلاعات پزشکی مورد نیاز را ندارند. شاهد هستیم که در مواردی که کارگران در محل کار دچار بیماری می شوند؛ مددکار واکنش مناسب و به موقع انجام نمی دهد و چنین حوادث تلخی مشاهده می شود.

« سندیکاهای کارگری سنگر مطمئن طبقه کارگر برای دفاع از حقوق کارگريشان است. به سندیکاهای کارگری بپیوندیم»

آمار حاکی از عملکرد بهینه رانندگان دارد اما مدیریت به جای تشویق، مزایای کارگران را قطع کرده است

مدیر عامل شرکت واحد اتوبوسرانی اعلام کرد در شش ماهه اول سال جاری نرخ تصادفات حوزه اتوبوسرانی تهران ۲۹ درصد کاهش داشته است. سنجی همچنین گفت تخلفات رانندگی از حیث سرعت در سه ماهه اول ۲۶ درصد کاهش داشته است.

این آمار قابل توجه قطعا با همکاری و دقت بالای رانندگان حاصل شده است. اما مدیریت ناکارآمد بجای تشویق رانندگان و کارگران و دادن پاداش، مزایای دریافتی رانندگان و کارگران که سال هاست برقرار شده و جزء حقوق مکتسبه آنان محسوب می شود را کاهش و یا قطع کرده است.

در چند نوبت شارژ کارت اعتباری رانندگان کاهش داشته و اخیرا هم کاملا شارژ کارت اعتباری قطع شده است. لباس کار رانندگان و کارگران توقفگاه و تعمیرگاه داده نشده است. و شرایط کار برای کارگران نظیر تامین آشامیدنی، ایجاد سرویس بهداشتی مناسب، جایگاه مناسب برای استراحت موقت رانندگان و نسبت به قبل بدتر شده است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نسبت به رفتارهای تحرک آمیز مدیریت در قطع مزایای کارگران و عدم تامین امکانات ضروری و رفاهی کارگران، هشدار جدی می دهد و اعلام می دارد در صورتیکه رویه مدیریت تغییر نکند؛ تشدید اعتراضات کارگری در شرکت واحد اجتناب ناپذیر خواهد بود.

« دستمزد مناسب با ۸ ساعت کار و تامین کننده نیازهای یک خانواده ۴ نفره از اصلی ترین تلاش های سندیکاهای کارگری است»

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مشکلات زیست محیطی فیروزکوه!



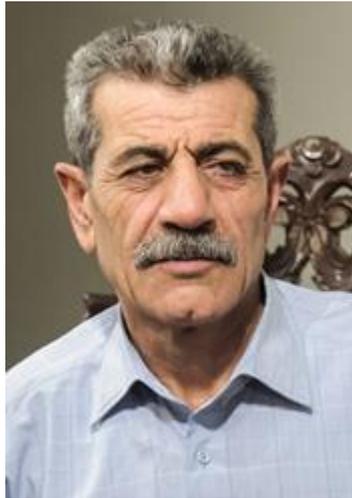
فیروز کوه بزرگترین تولید کننده ماسه ریخته گری میباشد که در سال ۱۳۵۱ شروع به کار کرد. این معدن در تملک خیامی سهامدار ایران خودرو بود و تولیدش تا سال ۵۷ به سالی ۳۰ هزار تن بود. که بعد از انقلاب به تصرف ایران خودرو و تسلیحات ارتش در آمد.

این کارخانه با وسعت ۲۰ هکتار و ۳۰ کارگر آغاز به کار کرده بود که امروزه قریب به ۵۰ هکتار وسعت پیدا کرد و ۱۳۵ کارگر و متخصصین کارگاه و ۲۵ نیروی دفتری در دفتر مرکزی دارد و امروزه بیش از ۲۰۰ هکتار معدن دارد که در ۲۵ کیلومتری شرق فیروزکوه قرار گرفته است.

متأسفانه به دلیل قرار گرفتن معدن در داخل مرتعی به نام چاه سر، این معدن را که در ابتدا ۲۰ هکتار بوده را با بی مدیریتی در حفظ و حراست از مراتع و محیط زیست قریب ۲۰۰۰ هکتار وسعت پیدا کرده است.

مدیریت محیط زیست منطقه در این مورد واکنش مناسبی از خود نشان نداده است. این مراتع تعلیفگاه دامداران فیروز کوه بوده و حیوانات آن منطقه که بزرگترین زیستگاه کل و بز در استان تهران می باشد را، تهدید جدی می نماید.

گزارشی از بعضی مناطق زلزله زده استان کرمانشاه



من قبل از اینکه ۱۵ سال پیش در کرج ساکن شوم، در شهر قصر شیرین سکونت داشتم و به دلیل بیکاری و فقر مجبور شدم برخلاف میل خود و خانواده ام به دنبال حداقل امرار معاشی به کرج کوچ کنم.

به هنگام زلزله اخیر در یک شرکت ساختمانی در تهران مشغول کار بودم که پس از وقوع زلزله، برای باخبر شدن از مردم و اقوام که بیشتر در شهرستان های دالاهو، سرپل ذهاب و قصر شیرین زندگی می کردند عازم منطقه شدم و حامل کمک هایی از پرسنل و پیمانکاران و ناظرین این شرکت به علاوه کمک هایی که فروشگاهها به هنگام خرید از آنها میزیدند، داشتم، بودم.

کمک ها را به افرادی ساکن قصر شیرین تحویل دادم که ستادی برای کمک رسانی به مناطق زلزله زده تشکیل داده بودند که پس از شناسایی، احتیاجات متفاوت این مناطق، کمک های جمع آوری شده را ارسال می کردند. این افراد را از قبل می شناختم.

گزارشی که تهیه نموده ام مربوط است به بعضی مناطق زلزله زده که به دلیل ترافیک سنگینی که مردم از استانهای مختلف ایران برای کمک رسانی به زلزله زدگان ایجاد کرده بودند و اصرار داشتند که شخصا این کمک ها تحویل دهند و هم چنین ضیق وقت نتوانستم از تمام روستاها و شهرهای زلزله زده دیدن کنم.

لذا گزارش من شامل شهر کرندغرب روستاهای بیونج از توابع شهرستان دالاهو، شهرسرپل ذهاب، شهرک شرکت زراعی و روستاهای قره بلاغ، روستاهای سرابگرم و شهر قصرشیرین می باشد. شرایطی که در منطقه در گزارش توصیف می شود متعلق است به روزهای ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ آبان سال ۱۳۹۶ می باشد و تلاش می نمایم بیطرفی کامل را رعایت کنم.

اولین شهری که آثار زلزله را مشاهده نمودم شهر کرندغرب بود. بیشتر مناطق شهر آب نداشتند و جاهایی که آب شهری وصل بود، گل الود و غیرقابل استفاده، اما آب معدنی برای استفاده ی آشامیدن و تهیه خوراک توزیع می شد. زندگی در این شهر عادی است خسارتی اگر هست جزئی و قابل چشم پوشی به استثنای مسکن مهر آن که نمای ساختمان ها و تیغه های آنها آسیب دیده است. عده ای از ساکنان این منازل در اطراف آن چادر زده اند و عده ای دنبال پیدا نمودن محل سکونت امنی در دیگر نقاط شهر هستند.

به بعضی روستاهای مسیر کرند غرب به سرپل ذهاب آسیب رسیده است و بعضی ساختمانها یا تخریب شده اند و یا اینکه قابل سکونت نیستند مانند روستاهای ورگنبد. اما تلفات جانی نداشته اند.

۲۵ آبان که وارد شهر سرپل ذهاب شدم از ورودی شهر تا خروجی آن به سمت قصرشیرین در مسیر خیابان اصلی خانه ای قابل سکونت به چشم نمی خورد. شدت تخریب مربوط است به محله فولادی و مسکن مهر آن. تعداد چادرهایی که برپا شده است، اندکند. بیشترین تلفات انسانی مربوط به این دو نقطه شهر می باشد. آمارهایی که مردم از تلفات انسانی آرایه می کنند ضمن متناقض بودن با آمار رسمی تفاوت چشمگیری دارند. مردم زیادی در مسیر

خیابان اصلی برای دریافت کمک‌های مردمی که ارایه می‌شود، ازدحام نموده‌اند.

پس از آن به شرکت زراعی رفتم. در این شهرک دو بافت قدیمی و جدید وجود دارد که بافت قدیمی آن مجتمعی است که شرکت های زراعی برای اعضای خود که ساکن روستاهای این منطقه هستند و زمین های زراعی خود را در اختیار این شرکت (در زمان قبل از انقلاب) گذاشته بودند، ساخته شده است و مصالح آن از سنگ و سیمان بدون اسکلت که کاملن تخریب شده اند و بافت جدید که خانه های شخصی است. اینها نیز یا کاملاً تخریب شده اند و تعداد کمی از آنهایی که سرپا بوده و غیر قابل سکونت شده اند. تلفات شرکت زراعی زیاد است. چه کشته و چه زخمی. تعدادی از آنها را شخص می‌شناختم. در این جا تعداد کمی چادر رسیده است. مردم از کمبود امکانات ناراضی هستند. با چند نفر صحبت کرده آنها اظهار می‌داشتند که اگر کمک های مردم نبود از گرسنگی می‌مردیم. در این شهرک هلال احمر پایگاهی ایجاد نموده و از مردم آسیب دیده برای تحویل دفترچه کمک های مورد نیاز ثبت نام به عمل می‌آورد.

به قصر شیرین سری زدم. در این شهر میزان آسیب به اماکن مسکونی جزئی بوده و این به دلیل نوساز بودن خانه های مسکونی می‌باشد. زیرا در زمان جنگ خانه ها کاملن تخریب شده بود و واحد مسکونی تعمیر نگردیده بود. اما در سرپل ذهاب خانه هایی که آسیب دیده بودند پس از جنگ فقط بابت تعمیر خساراتی برای آنها در نظر گرفته بودند. احتمالن آن زمان بحث کارشناسی برای تعیین خسارات به مقاوم سازی آنها در مقابل زلزله توجهی نشده بود. نمونه ی مشخص آن شرکت زراعی است و خانه های زیاد دیگری در داخل شهر سرپل ذهاب. اما به علت پس لرزه های پی در پی کسی در خانه ها زندگی نمی‌کند. مردم این شهر در فضا‌های باز و تعداد زیادی خارج از شهر چادر زده اند. زندگی در این شهر عادی نیست و مغازها اکثرن بسته هستند.

کمک رسانی مردمی به قصر شیرین که زیاد آسیب ندیده است، کافی نیست. آب و برق وصل شده است. در داخل شهر تلفات انسانی وجود نداشته. بیمارستان این شهر مملو از زخمی هایی است که از روستاها و شهرستان

سرپل ذهاب انتقال یافته اند. قصرشیرین قبل از انقلاب یکی از شهرهای زیبا و توریستی و پر رونق استان کرمانشاه بود که پس از انقلاب به علت جنگ و عدم رسیدگی مناسب پس از جنگ مردم آن با فقر و بیکاری دست و پنجه نرم می کردند و تعداد زیادی از ساکنین شهر پس از اتمام جنگ یا اصلن باز نگشتند و یا بعد از مدتی پس از بازگشت به علت بیکاری، دوباره آواراه شهرهای دیگر شدند. قطع این زلزله بر روی زخم های التیام نیافته جنگ، زخمی مهلک تر ایجاد می نماید و باعث آواره گی و ناامیدی بیشتر مردم خواهد شد.

جمعه ۲۶ و ۲۷ آبان در روستاهای بیونج بودم. در اینجا به علت استفاده از مصالح محلی برای خانه سازی از جمله سنگ و خشت خام، کاه گل و چوب، خانه ها بسیار نامقاوم بوده و اکثر روستاها و خانه های آن آسیب جدی دیده اند. از جمله ریسانی، کنه هر، بیمه، ده جامی و ویله. اما غیر از ده جامی هیچکدام تلفات جانی نداشته اند. اما ده جامی ۹ نفر کشته و تعداد زیادی زخمی داشت که به بیمارستانهای کرمانشاه منتقل شده اند.

تقریب شش روز پس از زلزله است که در این روستاها به تعدادی خانوارها چادر تقسیم شده است. کمک های اولیه از قبیل خوراک، پوشاک، آب، چراغ و والور نفتی به اندازه کافی به دست مردم رسیده که عمده ی آنها از طریق کمک های مالی حاصل شده. کامیونی را دیدم که از نوشهر مازندران در حال پخش وسایل مورد نیاز مردم بود.

روستاهایی که به چشم خود دیدم متاسفانه خانه ای قابل سکونت یافت نمی شود و مسئله ای که تاکنون به آن توجه نشده دامهای روستاییان و ذخایر علوفه ای و دان می باشد. با توجه به خشکسالی های چند ساله اخیر و کشت صرفن دیم در این منطقه، درآمد حاصل از کشاورزی افت فراوانی داشته و یکی از راههای امرار معاش مردم دامداری می باشد که در این وضعیت پیش آمده حفظ آنها برای مردم حیاتی و در اولویت اول قرار دارد. خشک سالی، از بین رفتن مراتع به علت چرای بیرویه، بی توجهی مسولین امر به مشکلات روستاییان، سال به سال از تعداد روستاییان کم و آنهایی هم که در روستا مانده اند که سنی

از آنها گذشته و امیدی برای برآمدن از پس مشکلات شهری ندارند و ناچارن با سختی های روستا می سازند.

با شرح کوتاهی از مشکلاتی که مشاهده نمودم، به نظر می رسد اقداماتی سریع و عاجل و مدیریت شده بدون تبعیض برای دیگر باورهای مذهبی و با هماهنگی مردم و دستگاههای دولتی ضرورت مبرم دارد.

نیازهای عاجل زلزله زدگان:

۱- رسیدگی به خانواده هایی که یک یا چند تن از اعضای خانواده های آنها کشته شده اند و اقدام مات پزشکی و روان پزشکی برای تسکین درد و الام آنها

۲- رسیدگی جدی به زخمی ها و انتقال آنها به بیمارستانهای مجهز و تخصصی و هم چنین مددکاری آنها تا زمان بهبودی

۳- رسیدگی به خانواده های آسیب دیده ای که توانایی رفتن به ادارات و مراکز توزیع و احتیاجات روزمره را ندارند و حل مشکلات آنها توسط گروههای امدادی مردمی. به ویژه سالمندان، زنان بی سرپرست، کودکان خانواده های کشته شده

۴- حل مشکل مسکن مناسب خانواده هایی که منازل آنان آسیب دیده و قابل سکونت نیست. با توجه به شروع سرما و بارندگی و برف به صورت موقت تا زمانی که صاحب محل سکونت دایم گردند.

۵- سازماندهی صحیح و بدون تبعیض با هماهنگی کامل سازمان ها، نهادها، و دوایر دولتی، برای ارایه کمک های مورد نیاز زلزله زدگان از محل کمک های مردمی و دولتی

۶- اطلاع رسانی مناسب برای چگونگی رفع مشکلات مردم زلزله زده از جهات مختلف خصوصن در روستاها که اکثرن نمی دانند برای رفع مشکلات خاص روستاییان به چه نهادها و یا ادراستی مراجعه و یا کی اقدام نمایند.

۷- ارایه خدمات بهداشتی عمومی و شخصی و راهنمایی های شفاهی و یا بوسیله بروشورها برای رعایت نکات بهداشتی خاص جهت جلوگیری از عفونت ها و بیماری های واگیر دار از جمله وبا و تیفوئید

۸- اقدام سریع در جهت جمع آوری زباله ها و ظروف یکبار مصرف و قوطی های کنسرو و کمپوت و.... از محیط های مسکونی و چادرها و قرار دادن سطل های زباله در محل های مناسب

۹- اعزام اکیپ های مرتب برای انجام معاینات جسمی و روحی افراد زلزله زده که تعداد زیادی از آنها بر اثر شوک ناشی از زلزله هنوز به حالت عادی برنگشته و هر صدایی و حرکتی آنها را وحشت زده می نماید و اتخاذ تدابیر لازم برای مداوای آنها

۱۰- توجه ویژه به مشکلات خاص روستاییان به دلیل اینکه روستاییان غیر از مشکلات خاص انسانی، نیاز به محلی مناسب برای نگهداری دام، علوفه، دان، بذر، کود، خود دارند. با توجه به این مسئله که دام نقش حیاتی در زندگی روستاییان دارد.

۱۱- احداث فوری سرویس های بهداشتی از جمله حمام و توالت در مناطق مختلف شهری و روستایی که محروم از این سرویس های بهداشتی می باشند و به ویژه دفع مناسب فاضلاب ها

۱۲- تشکیل کارگروه های تخصصی برای تشخیص علمی و کارشناسی دقیق علل خسارت هایی که قطعن قابل جلوگیری و یا کاهش آنها وجود داشت. آنها هم بدون باند بازی و گروه گرایی و جناح بازی

در این خصوص اگر موفقیتی حاصل گردد می تواند در بلایایی این چینی در دیگر نقاط ایران از خسارات آن بکاهد و به دستاوردهای ملی منجر شود.



شکی وجود ندارد که در ساخت و سازها نظارت کافی وجود نداشته و سازمان ها و ادارات و یا اشخاص به وظایف خود به نحو احسن عمل ننموده اند. دلیل کافی در مسکن مهر کرندغرب است که این مجتمع غیرقابل سکونت گردیده در حالی که خانه های شخصی اطراف آن آسیبی ندیده اند. دلیل دیگر در درمانگاه تازه ساخت کرندغرب است به نام «بستر درمانی» که دچار خسارات جدی شد. بیمارستان سرپل ذهاب که ضمن تخریب قسمت هایی از آن تلفات جدی برای پرسنل و بیماران به بار آورد. بیمارستان اسلام آباد غرب دچار خسارات شد در حالی که تازه ساز بود. مسکن مهر اسلام آباد هر چند با چشم خود ندیدم ولی اطلاع یافتم که دچار خسارت شده است. این کم و کاستی ها که به شکلی باید گفت به پرونده ای ملی تبدیل گردید و به یک امتحان بدل شده است که حاصل تحقیقات آن می تواند به اعتماد آسیب دیده ی مردم از مسولین و حکومت کمک کند تا باور کنند که مسولین قابل اعتماد هستند و یا اینکه به اعتماد آنان آسیب جدی تری وارد نماید.

این بی اعتمادی ها نه به نفع ملت است و نه به نفع دولت. باید تعارفات را کنار گذاشت. نباید به فکر لاپوشانی کردن نارسایی ها بود. به جای آن باید به فکر ریشه یابی نارسایی ها و بی اعتمادی ها بود. باید دریافت که چرا کسانی که

برای کمک به زلزله زدگان شتافته بودند بخش اعظم آنها اصرار داشتند که کمک ها را مستقیم خود به دست آسیب دیده ها برسانند.

وقتی در روز پنجم زلزله، خبرنگار صداوسیما از سرپل ذهاب در گوشه ای از پارک ورودی شهر گزارش می فرستد تا اثری از ویرانه ها به هنگام پخش گزارش او مشاهده نشود و اعلام می کند که شهر به حالت عادی برگشته و بچه ها مشغول بازی هستند، درحالی بود که در ۲۰۰ قدمی او مردم برای سرنوشت نامشخص خود مضطرب و نگران و ناامید هستند، چه معنی می دهد؟؟

این برخوردها این ذهنیت را تقویت می کنند که مسوولین در فکر سرپوش گذاشتن بر عمق فاجعه هستند و این یعنی بی اعتمادی. فراموش نشود اکثر مناطق زلزله زده در طول ۸ سال جنگ خسارات فراوانی متحمل شده اند و هنوز بعد از نزدیک به سه دهه آثار آن از منطقه پاک نشده است. روستاها و مناطق زیادی هنوز آباد نشده اند. هنوز بخش قابل توجهی از محل زندگی مردم از وجود مین پاک نشده است. کار رونق قبل از جنگ را نه در بخش شهری و نه در بخش روستایی را نیافته و این زلزله در واقع حکم تیغ کشیدن بر روی زخم را دارد که درد آن غیرقابل تحمل و تصور است. امیدوارم مسوولین رنج این درد هموطنان خود را حس کنند.

امروز زلزله زده ها نیاز فوری به کمک رسانی فوری در تمام زمینه ها که اهم آنها در ۱۲ بند به اطلاع رسید از جانب دولت و ملت دارند که ملت وظیفه خود را به نحو احسن انجام داد و باقی آن به عهده دولت است که امیدواریم همانند ملت سربلند از این انجام وظیفه که بر دوشش می باشد بیرون آید.

با احترام برای مردم و مسوولین

مهاجری از قصر شیرین به دلیل بیکاری و ساکن در کرج

یارمحمد اکبری عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

عدم ایمنی یعنی کشتار کارگران



همان طوریکه میدانید مهمترین اصل کار پروژه و کارگری رعایت نکات ایمنی است. یکی از کارهای مهم سندیکاهای کارگری نظارت بر ایمن بودن کارگاهها از سوی نمایندگان سندیکاهای کارگری و وادار کردن وزارت کار برای بازدید های دوره ای از کارگاههاست.

همه ما در این راستا تجارب بسیاری داریم که گاه بسیار نگران کننده بوده است و محیط کار و پروژه را برایمان دردناک نموده است. من خودم در ابتدا از سال ۸۲ که به پروژه اومدم در شرکت صدر شیمی شیراز به علت انفجار دیگ بخار یکی از مهندسين شرکت فوت نمودند. در سال ۸۳ شرکت احداث، پیمانکاری امینی یکی از دوستانمان بنام هادی داوودی که فیتزر بود در هنگام آخر کار از ارتفاع پایین افتاد و قطع نخاع شد. در سال ۸۴ در همین شرکت احداث یکی دیگر از دوستانمان بنام علی باقری که نصاب استراچر بود به خاطر اتصال برق سه فاز به گریتنینگها دچار برق گرفتگی شد و فوت نمود. در مسکن مهر خراسان جنوبی و ماهشهر و هندیجان نیز آمار کشته و حادثه دیدگان نیز بسیار بود. در قاینات خراسان جنوبی دوستم احدرضا زارع را بخاطر گازگرفتگی از دست دادم. در فاز ۱۲ شرکت توسعه شبکه یا آی ان

دی یکی از دوستانمان که فیتزر بود در فاز ۲ به خاطر گذاشتن چفیه به گردن خود بوسیله مینی سنگ رگ گردنش زده شد و فوت کرد و در نهایت آخرین مورد اینکه دوست بزرگوارم حسین اشرفی تبار در پتروشیمی بوشهر نزدیک به پنجاه روز پیش از ارتفاع سقوط و فوت نمودند ...

اینها همه خاطرات بد من از پروژه می باشند. به همین خاطر ما بیشترین تاکیدمان روی مسایل ایمنی هست، چون باور داریم که هر کارگر نماینده یک خانواده هست و حفظ و مراقبت از جان خود یعنی نشان دادن لبخند بر لبهای هموعان. قدر و قیمت خود را بدانیم و بخاطر اینکه کار سریعتر انجام بشود و یا فوراً سرمایه را داد نزنند از خود و ایمنی خود غافل نشویم. یادمان باشد که ما برای خود و خانواده مان کار میکنیم و ارج گذاشتن به ایمنی؛ یعنی دوست داشتن خود و احساس مسئولیت در قبال خانواده می باشد...

با سپاس و ارتان خرم‌دین

❖ قوانین کارگری ❖

طبق تبصره ۲ ماده ۱۰۵ قانون کار سال ۶۹، در مواردی که کارگاه برای جلوگیری از وقوع حادثه یا ایجاد خطر، به درخواست وزارت کار و امور اجتماعی یا وزارت بهداشت و درمان و به موجب قرار مراجع قضایی، تعطیل می شود " کارفرما مکلف است در ایامی که به علت فوق، کار تعطیل می شود، مزد کارگران کارگاه را بپردازد."

کار صنفی سخت و پرحوصله است!



عزیزان من ایجاد ارتباط صنفی و یا اجتماعی بین اهالی یک کوچه ، کارگران یک کارخانه یا حتا یک واحد صنفی به هزاران شعار سرخ و بر افراشتن هزاران پرچم سرخ آنهم در خلوت می ارزد. ما باید بیشتر بدانیم ، قطره قطره بیاموزیم و بیاموزانیم. شعاری زندگی کردن جز ایجاد یاس و سرخوردگی و افسردگی حاصلی ندارد. کار صنفی سخت و پرحوصله است. برایتان مثالی می زنم.

نوع فعالیت کانون بازنشستگان بخصوص زنده یاد یعقوب مهدیون از سندیکالیست های قدیمی و نام آور سندیکای کارگران کفاش و دوستانش آقایان فرهادی، خبازها، فیضی، و دیگر اعضا کانون بازنشستگان ویا سندیکای نانوایان که حاصل مرارت ۵۰ ساله بود، صرفا کار صنفی کرده بودند. آن هم با نام های دیگر ولی سر بزنگاه تمامی قدرت و توانشان در اختیار جوانان پرشور سندیکایی در اوایل دهه ۸۰ قرار گرفت و نتیجه داد و سندیکای کارگران شرکت واحد شکل گرفت.

اتحاد کارگران بازنشسته در کانون بازنشستگان تهران حول گرفتن بن کالا برای بازنشستگان بود و یا تورهای زیارتی. ولی به محض باز شدن درز کوچکی از فضا برای فعالیت های سندیکایی پیشکسوتان سندیکایی به میدان آمدند.

مصاحبه های خبازها دبیر کانون در رادیو در زمینه حقوق کارگران و تامین اجتماعی، کولاک می کرد. از طرف دیگر رابطه علمی عاطفی یعقوب مهدیون با کارکنان نشریه وزین آتیه که متعلق به سازمان تامین اجتماعی بود باعث هم پیوندی نسلی یا نطفه کوچک از ژورنال لیست های آشنا با جامعه طبقاتی بوجود آورد آنها با صبوری و درک درست از شرایط سازمان دهی کردند و سازماندهی سندیکای مستقل بوجود آمد.

اولاد بنی هندل (واحدی ها را قدیم با این لقب می خواندند) مقاومت کردند مقاومت و مقاومت. به آنها افتخار می کنیم امیدواریم کارگران صنعت و خدمات دیگر هم با تشکیل نهادهای مستقل خود بدنبال حق خود باشند چنان که امروزه معلمان ما تنها معلم بچه های ما نیستند، بلکه معلم طبقه کارگر چه فکری و چه یدی هم هستند.

بهروزی حق ما و نسلهای آینده ماست که بدست می آوریم

رضا فراهانی کنگرانی عضو سابق سندیکای کارگران خیاط

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران بر این باور است که:

در هر جامعه ای قراردادهای اجتماعی و اقتصادی در جهت بهبود وضعیت کشور، تضمینی جز قوه قضاییه ای مستقل ندارد.

به مناسبت زاد روز دانشمند طبقه کارگر ایران پرویز شهریاری



تغییر محیط ، تغییر انسان

انسان با تغییر محیط خود کمک می کند تا خود و انسانهای دیگر تغییر کنند. شاید در روند این تغییر او متوقف شود اما جامعه و به تبع آن مبارزه برای تغییر توقف ناپذیر است.

انسان با مبارزه برای تغییر محیط نه تنها اندیشه های خود را بسط می دهد بلکه این امکان را فراهم می آورد تا در بستری که می سازد دیگر انسانها و اندیشه ها قوام یافته و رشد کنند.

انسان با کشف آهن و درست کردن چرخ تغییر را به محیط خود تحمیل کرد. گاوآهن نان انسان را بیشتر کرد اما شمشیر جان انسانها را تهدید. آیا کشف آهن کار درستی بوده است؟

حقیقت در ذهن شکل می گیرد ولی واقعیت همچنان جاری است. انسانی موفق است که حقیقت ذهن را به واقعیت جاری نزدیک کند و با ذهن خلاق خود واقعیت را به سمت تعالی انسانها و رشد جامعه ببرد.

دانش و انسان دوستی برای تکامل جامعه کافی نیستند، این اندیشه های انسان دوستانه زمانی به واقعیت تبدیل می شوند که بتوانند با بکار گرفتن دانش و انسان دوستی جامعه و ذهن انسان را قوام داده و تغییر ایجاد کنند.

دانشمند طبقه کارگر و ریاضیدان بزرگ پرویز شهبازی و شهریاری ها می توانستند در جامعه به دانشمندانی تبدیل شوند که تنها علم را در جامعه نشر دهند، اما چرا در راه دفاع از مردم و مسیر برابری طلبانه قدم گذاشتند؟

آیا به اندازه انسان های معمولی باهوش نبودند؟ آیا از عقل دور اندیش تھی بودند؟ یا دارای زرنگی!!!! و معاش اندیش نبودند؟؟

بی تردید اگر به این سوال ها پاسخ مثبت دهیم پس باید بیندیشیم که چه چیزی شهریاری ها را وادار کرد که به ثروت و زندگی آرام ، شهرت و مقام علمی و تدریس در دانشگاهها پشت کنند و راهی را برگزینند که جز زندان، محرومیت های اجتماعی فرجامی نداشت؟

متأسفانه کسانی که به دنبال زندگی تھی از دغدغه های انسانی هستند و به دنبال منافع شخصی خود می باشند، اینگونه انسان ها را نهی و مبارزه آنان را بیهوده می دانند و تغییر را ناممکن. به ویژه مبارزینی که سپر و شمشیر خود را به دیوار آویخته اند بیش از دیگران به چهره مبارزین امروزی و دیروزی چنگ می کشند و از لجن مال کردن شان هراسی ندارند. اما آنچه در واقعیت جامعه جاری است تغییری است که انسان های مبارز ایجاد کرده اند.

تغییر با مبارزه و سخت کوشی انسان رابطه مستقیم دارد. گاهی تغییر بسیار شتابناک فرا می رسد و گاه چون لاک پستی آهسته و بطنی حرکت می کند. آنچه بی تردید در جامعه رخ می دهد تغییر است حتا اگر ما احساس نکنیم و نبینیم.

دانشمند طبقه کارگر پرویز شهریاری می گوید : جامعه سرمایه داری ، استعداد ها را می کشد و به دنبال زر و زور می کشاند. بیماری ها و توسعه روزافزون نیروهای نظامی و جنگ افزارها ، سلامت جامعه را تهدید می کند. برای بهتر زندگی کردن ، راهی جز کنار زدن جهان سرمایه داری نیست.

مازیار گیلانی نژاد آذر ۱۳۹۶

چرا صدا و سیما باید از پروژه ها گزارش خبری تهیه کند ؟

ما آمده ایم زندگی کنیم تا قیمت پیدا کنیم نه این که با هر قیمتی زندگی کنیم . زندگی ما حکایت یخ فروشی است که از او پرسیدند فروختی؟ گفت نه ولی تمام شد . حال و روز بچه های پروژه ای این روزها بس نگران کننده است . همین چند روز پیش بود که کرامت سلحشور در فاز ۱۳ پارس جنوبی سکنه قلبی کرد و روحش شاد شد . یا چند روز قبل تر بود که دوست دیگرمان از ارتفاع سقوط کرد و از این دنیا رفت .

دوستانمان در بی خبری آمدند و در بی خبری رفتند . کسی نپرسید کرامت چند ماه است حقوق نگرفته است؟ کسی نپرسید کرامت چرا سکنه کرد؟ و کسی نخواهد پرسید شاید اگر کرامت در رگ سفید کار میکرد شرایط جور دیگر بود ، بلکه حتما آقای زنگنه می آمد ، وکلای مردم می آمدند ، روسای مناطق نفت خیز آمدند . خلاصه همه می آمدند . ولی اینجا هیچ کس نیامد . زمان به سرعت در گذر است و روز به روز شرایط پروژه های صنعتی وخیم تر می شود

به کجا می رویم ؟ چه کسانی پاسخگوی مطالبات کارگران هستند ؟ صدا و سیما یکی از مجاری قانونی برای اعلام درد ها و مشکلات ما می باشد .

اما چگونه ؟

اولین اقدامی که توانستیم انجام دهیم درخواستی با ۱۰۰۰ امضا گذاشتن شماره کدملی برای پیگیری و تهیه گزارش از وضعیت موجود پروژه ها بود .

حال باید با ارسال سیل عظیم پیامک های به دفتر خبرگزاری صدا و سیما آنان را مجبور کنیم به این درخواست ما پاسخ دهند . این عمل ما باعث خواهد شد تا صدای مظلومیت ما را تمام مسئولین و تمام ایران بشنوند .

یونس کارگر پروژه ای

ما می توانیم!

دروود بر کارگران سرزمینم... پایه های یک حرکت گسترده با همبستگی و باور تواناییهای خود آغاز میشود. ما کارگرم و مقدس ترین هدف ما سربلندی در برابر خانواده و سرزمین جاویدمان می باشد که با ایجاد حس مسؤولیت پذیری در وجود خود توانسته ایم حقیقت وجودی خود را پیدا بنماییم و جوهره هستی را با هنر و سازندگی خود رونق بدهیم.

ما در پی عمران و آبادانی سرزمین خویش مرزها را عبور کرده ایم و جسم و جان خویش را به جوهره کار جلا بخشیده ایم. ما حماسه ها آفریده ایم و پروژه های صنعتی ایران آباد نموده ایم. ما دامنه حرکت خویش را در تمام سرزمینها نمایان ساخته ایم و نام کارگر را بلند آوازه نموده ایم.

ما از سرزمین بی آب و علف و خشک خرابه ها آباد نموده ایم و نفت و گاز از دل زمین بیرون آورده ایم و پالایشگاه و پتروشیمی و نیروگاه ساخته ایم تا مردمان سرزمینمان در کانون گرم خانواده شان نیروی طبیعی حیات و روشنایی را با تمام وجود زیبایشان حس بنمایند. ما کارگران نماینده های خانواده هایمان می باشیم و آنها به انتظار دیدار ما لحظه ها را می شمارند تا حاصل زحماتمان را در لبخند پر از شادی آنان بباییم.

ما در قبال خانواده هایمان تعهد داریم که حقوق قانونی خویش پاس بداریم و از پشت گوش اندازی کردن دوری بجوییم. ما وظیفه داریم که از مسؤولین حکومتی بخواهیم برای ما شغل و کاری متناسب با شرافت انسانیمان مهیا بنمایند و نسبت به نیروی کار ارزش قایل بشوند. ما کارگران در قبال جسم و روان خودمان مسؤولیت داریم تا توانمند بمانیم و بیشتر در خدمت آرمان های کارگری خود و خانواده هایمان باشیم.

ما با کوشندگان کارگری همسو و هم قدم خواهیم گشت تا برای مطالبه گری حقوقمان با دست پر حرکت بنماییم. ما برای انسجام تشکلهای کارگری تمام تلاشهای خود را بکار خواهیم بست تا گل لبخند را بر لبهای هموعانمان نمایان سازیم.

سندیکای ما در جهت آموزش صحیح نیروی کار و مطالبه گری حرکتهای کارگری همه تلاش خود را کرده و خواهد کرد. متحد شویم تا پیروز باشیم. ما می توانیم!

واریان خرمیدین عضو سندیکای کارگران فلز کار مکاتیک ایران.. ۱۳۹/۸/۳

چگونه حق خود را طلب کنیم!

دروود به کارگران سرزمینم... یکی از مشکلات کارگران این است که نمی دانند از چه راهی می توانند به حق خود دست یابند و فقط حربه اعتصاب را به کار می برند. یک فعال کارگری باید در قدم اول کارگران اتاق خود را و سپس کمپ را با خود همراه داشته باشد تا بتواند وارد گفتگو شود. اگر چنین کاری را صورت نداده اید بی تردید شکست در انتظار شماست.

کارگران باید بدانند که گفتگو اولین گام برای دریافت حقوق حقه خود است. هنر گفتگو و اینکه چگونه بتوانیم از راه سخن گفتن و ابراز وجود، عزت نفس و جسارت خود را نشان بدهیم اولین گام در جهت مطالبه گری حقوقی هست.

الگوهای کلامی درست و روش بیان کلماتتان می تواند شگفت آور باشد و هدف اصلی شما را بطور شفاف نشان بدهد. اگر شما از قوانینی که مربوط به حقوق کارگران است اطلاع کافی داشته باشید و استدلال را نیز چاشنی آن کنید موفقیت در انتظار شماست.

در واقع هنر گفتگو کردن و نفوذ در ذهن ناخودآگاه طرف مقابل می تواند خواسته های درست شما را با استدلال های محکم به انجام برساند؛ چرا که شما از راه حق و حقوق وارد می شوید.

به گفته یکی از سرپرستهای پایبینگ؛ شما بایستی طلبکار و پرجسارت باشید. چرا که این شماست که اگر کار نکنید هیچ پروژه ای به سرانجام نخواهد رسید و کارفرما هم نمی تواند جز نیروی کارگران پروژه ای را تحویل دهد. پس ضمن روشنگری در میان کارگران و متحد کردنشان باید به الگوهای کلامی تسلط پیدا بنمایید. سعی نکنید که طرف مقابل را محکوم کنید؛ بلکه حقیقت را با روش درست بیان نمایید و سخنی که از روی حق و صداقت و راستی بیان شده باشد هیچگونه جوابی نخواهد داشت.

ما طلبکاریم و در موضع حق ایستاده ایم و این یک حقیقت است و نیازی به من کردن زبان نیست. بایستی واقعیتها را برای کارگران بیان نمود. بایستی حقیقت خود و واقعیت بی انصافی کارفرمایان را بطور شفاف برای دوستان خود در کمپ و اتاق های کارگری بیان نمود. کلام سحرانگیز شما میتواند همه را با خودتان همگام کرده و دریچه های اتحاد اطرافیان را به روی شما بگشاید.

یادمان باشد که خشونت همیشه اولین راه نیست؛ بلکه کلام درست و بیان محکم و قاطع با روشنگری در میان کارگران کارگشاست. شیوه های گفتگو، استدلال و قانع کردن کارگران را بیاموزیم. بیاموزیم که چگونه می توان کارگران را آگاه و متحد نمود و سپس ابراز وجود کرد. سخن خویش را بیان بنماییم و آن وقت خواهد بود که میتوانیم اعتماد طرف مقابل را بیابیم و حقوق خویش را بستانیم.

یادمان باشد کلام روشنگر تو عصای معجزه گر توست. بیاموزیم، روشنگری کنیم، کارگران را قانع کنیم که جز مبارزه برای حقوقمان راهی جز اتحاد نیست.

وارتان خرمدين، عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۱۱ آبان ماه

در سندیکا مسائل مربوط به همه کارگران و آنچه همه این کارگران را گرد هم می آورد مطرح است. نظر به این ویژگی تشکل سندیکایی از امکانات گسترده برای تجمع همه کارگران و زحمتکشان برخوردار است.

کارگران کارگاه‌هایی با کارهای طاقت‌فرسا اما محروم از قانون کار

موضوع صندوق بازنشستگی آینده‌ساز، ماجرای محرومیت صدها تن از اعضا کوچکترین صندوق از ۱۶ صندوق بازنشستگی کشور یعنی موسسه صندوق بازنشستگی آینده‌ساز که کارگرانی از ایران خودرو و تراکتور سازی در آن عضو هستند از قوانین مصوب نظام منجمله قانون کار، قانون تامین اجتماعی کشور و مصوبات هیات وزیران در میان سکوت مسئولان انجام گرفت.

به موجب اساسنامه این موسسه اعضا این صندوق در تمام مسایل پیش روی مطابق اساسنامه و آیین‌نامه‌های داخلی و برخلاف قوانین مصوب اداره کار و تامین اجتماعی رفتار می‌شود. این محرومیت بخش بزرگی از اعضا پانزده هزار نفری عضو را با مشکلات عدیده‌ای مواجه نموده است. اکنون بخش بزرگی از کارگران بازنشسته شده این صندوق حقوق کمتری نسبت به همترانشان در تامین اجتماعی دریافت می‌کنند.

همچنین بسیاری از کارگران مشمول قوانین سخت و زیان‌آور نیز بدلیل عدم توانایی کارفرمایان در برابر مطالبه مبالغ گزاف و خارج از ضابطه از سوی صندوق، متاسفانه نمیتوانند از مزایای این قانون بهره‌مند شوند ضمن آنکه امنیت شغلی بخش قراردادی این کارگران نیز به شدت در حال تهدید است. سرنوشت کارگران بیکار شده عضو این صندوق هم تاسف‌بارترین بخش ماجرا است. همه این کارگران برابر ماده ۲ و ماده ۱۴۸ قانون آمره کار، کارگر محسوب شده و می‌بایست توسط کارفرمایان طبق قانون تامین اجتماعی کشور بیمه می‌گردیدند.

امری که با دخالت برخی مسئولان وقت سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و توافق مسئولان سازمان تامین اجتماعی وقت، صرفاً جهت رونق بخشیدن به این موسسه، محقق نگردید و به جای آن با تغییر مقصد و اریز حق بیمه و بدون رعایت ضوابط قانون نقل و انتقال حق بیمه پایه چند هزار نفر از کارگران صناعی که (در آن زمان) زیر مجموعه سازمان گسترش چون ایران

خودرو، سایپا و تراکتورسازی و ... بودند به حساب موسسه ای به نام صندوق بازنشستگی آینده ساز واریز گردیده است

متأسفانه علی رغم آنکه موسسه (صندوق حمایت و بازنشستگی آینده ساز) اقدام به دریافت حق بیمه پایه ۱۴۷۰۰ نفر و صدور حکم بازنشستگی برای قریب به ۴۶۰۰ نفر از این تعداد نموده و عملاً از سالها پیش در حوزه بیمه گری که جزء امور عمومی و حاکمیتی کشور محسوب می شود ورود نموده اما هیچگاه هیات وزیران نام این موسسه را در فهرست (موسسات عمومی غیر دولتی) ذکر ننموده است و این به معنی منع قانونی برای دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شکوائیات کارگران این صندوق و دستمسی برای عدم دخالت قانونی در اوضاع این موسسه باشد

از سال ۱۳۸۵ سازمان تامین اجتماعی بر اساس ابلاغیه ای ممنوعیت عضوگیری کارگران در صندوقی غیر از تامین اجتماعی را در بدو استخدام کارگر را به واحدهای تولیدی گوشزد نمود. این امر موجب قطع ورودی صندوق آینده ساز از صنایع و آغاز یک بحران مالی از آن سال به بعد گردید. در سالهای اخیر اعتراضات بسیاری بر نحوه مدیریت، عدم وجود دموکراسی در مجمع عمومی، بی انضباطی های مالی و حتی نحوه شکل گیری و نبود مجوز بیمه گری صندوق مطرح گردید. اما همواره مسئولان صندوق به جای حل مسأله با تکیه بر برخی چهره های صنعت و اقتصاد کشور که به برکت (نبود سقف پرداخت حقوق ایام بازنشستگی برای حقوق های بالا) طرفداران پروپا قرص صندوق هستند به لاپوشانی مسأله مبادرت ورزیده اند

اما آنچه که امروز کارگران عضو این صندوق را متفق القول نموده لزوم پایان یافتن دوران محرومیت شان از قانون کار، قانون تامین اجتماعی و مصوبات هیات وزیران است چه با صندوق و چه بدون صندوق.

این سئوالی است که در چارچوب حقوق شهروندی و قانون اساسی باید به درستی به کارگران محروم از قانون کار داده شود.
رحمان کارگر تراکتورسازی

به مناسبت یکصدمین سالگرد انقلاب اکتبر

تاثیر انقلاب کارگری اتحاد جماهیر شوروی محدود به سرنوشت ساکنان این کشور نبود بلکه تحولی ژرف در جهان بوجود آورد که از چند بعد قابل بررسی می باشد.

۱- تاثیر انقلاب اکتبر در کشورهای متحد به نام اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی پایانی بود بر نظام خودکامه و ضد مردمی روسیه تزاری و بهبود شرایط زندگی توده ها کارگران و دهقانان فقیر در این محدود ه های جغرافیایی.

۲- پشتیبانی نظام شوروی از انقلابات و جنبش ها و مبارزات کارگران و دهقانان و ستمدیده گان علیه امپریالیسم جهانی و نظام سرمایه داری و استقرار نظام های مردمی در تعداد زیادی از کشورهای جهان مانند ویتنام، چین، کوبا.

۳- پشتیبانی از نهضت ها و جنبش های رهایی بخش از سلطه سرمایه داری جهانی و پیروزی های چشمگیر در این عرصه از جمله در ایران ، مصر، سوریه، الجزایر.

۴- ایجاد دو قطب قدرت جهانی. در یک قطب نظام سرمایه داری و امپریالیسم و ارتجاع و جنگ افروزان و در قطب دیگر دولت ها نهضت ها و جنبش های ضد امپریالیستی ضد ارتجاعی ضد جنگ ، که در نوک این قطب اتحاد شوروی قرار داشت. سندیکا‌های کارگری، جنبش جهانی صلح، سازمان های جوانان دمکرات و جنبش زنان برای برابری حقوق از حمایت های بی دریغ کشورهای سوسیالیستی به ویژه اتحاد شوروی برخوردار بودند.

۵- در کشورهای سرمایه داری نیز عقب نشینی های قابل توجه ای از طرف دولت ها به سود کارگران ، دهقانان، و اقشار کم درآمد و متوسط صورت پذیرفته بود که بیشتر با مبارزات الهام گرفته از قطب ضد سرمایه حاصل شده و یا ترس دولت های سرمایه داری و امپریالیستی برای جلوگیری از اوج

مبارزات کارگران و زحمتکشان که پشتیبانی انترناسیونالیستی داشتند، عقب نشینی هایی شد. از جمله این عقب نشینی ها کاهش ساعت کار، بیمه های عمومی، بازنشستگی، بیمه بیکاری، حق داشتن مسکن، سرویس های رفت و آمد و تعطیلات تابستانی و زمستانی با حقوق... که اکنون در اروپا بسیار رایج است.

کمترین ثمره انقلاب اکتبر در ایران پس از روی کار آمدن اتحاد شوروی و تاکنون مرزهای شمالی امن ترین مرزهای کشور هستند.

اما با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق، کشورهای امپریالیستی و دولت های ارتجاعی و حامی سرمایه داران گام به گام تمام دستاوردهای تاریخی طبقه کارگر و محرومان را مورد هجوم قرار داده و عطش سیری ناپذیر خود را برای انحصار سرمایه به شکلی عریان در نئولیبرالیسم به نمایش گذاشته اند. در این مسیر نه تنها دسترنج و حقوق کارگران و محرومان جهان در معرض این تهاجمات قرار گرفته بلکه زیست در روی کره زمین هم با آینده ای مبهم روبروست.

سرمایه داران با پشتیبانی حکومت ها همه امکانات مادی و معنوی اقتصادی و سیاسی و نظامی و امنیتی را به خدمت خود گرفته اند و هر چیزی را که مقدر باشد به سرمایه تبدیل می کنند، آنهم در انحصار عده ای قلیل و به شکلی سازمان یافته و با پشتیبانی دولت ها و سازمان های بین المللی که خود بنا نهاده اند مانند صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان های نظامی با هدف تجاوزگرانه مانند ناتو و اتحادهای منطقه ای بر علیه کشورهایی که بخواهند استقلال ملی داشته باشند، مقابله می کنند.

هجوم سرمایه به شکلی خطرناک زیست در کره ی زمین را به خطر انداخته است. بخش وسیعی از جنگل ها، مراتع، حیات وحش، زمین های قابل زراعت، منابع آب، و سمی نمودن زمین با محصولات تراریخته به شکل جدی آسیب دیده اند و یا در معرض آسیب قرار گرفته اند. درصد قابل توجهی از انسانها و جانوران از هوای سالم و اکسیژن کافی بی بهره شده اند. دمای کره

زمین به شکلی خطرناک افزایش یافته که بیشترین سهم این افزایش مربوط به تعدادی کارخانه عظیم می باشد که سود فعالیت آنها به جیب چند نفر بیشتر نمی رود. بی دلیل نیست که امسال ترامپ از سازمان جهانی محیط زیست امریکا را بیرون کشید.

امروز دیگر بحث خوردن خوردن ها به ربا خواری و حرام خواری و رانت خواری محدود نمی شود. امروز بحث ، بحث زمین خواری ، آب خواری، خاک خواری، جنگل خواری، دریا خواری و..... مطرح می باشد که در کشور خودمان به وضوح رواج یافته است. مانند خشک شدن دریاچه ارومیه. با این وضعیت قبل از اینکه دیر شود کارگران، زحمتکشان، کشاورزان، انسانهای آزادیخواه، افشار آسیب دیده از این شرایط که نظام سرمایه بر جهان حاکم نموده باید در تشکل های مستقل صنفی، سازمان های مردم نهاد، احزاب، جمعیت ها، زنان و جوانان در جبهه ای واحد از شرایط موجود اعلام نارضایتی نمایند و با حرکت به سوی همبستگی های جهانی در جهت اقدام مشترک از حقوق انسانی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و مهمتر از همه حق حیات خود دفاع نمایند. قبل از اینکه به نقطه ای غیر قابل برگشت برسیم باید اقدام کرد.

در پایان موضوعی که در یکصدمین سالگرد انقلاب اکتبر چشمگیر بود پرداختن رسانه ها و بنگاههای سخن پراکنی وابسته به کشورهای امپریالیستی و سرمایه داری بود همراه با تحریف ها تهمت ها و وارونه جلوه دادن واقعیت ها و مخدوش نمودن چهره های انقلابی همراه با اشاره به بعضی واقعیت های این واقعه ی سرنوشت ساز تاریخی. شاید خیزش ها، اعتراضات، همبستگی ها در سطح ملی و بین المللی که در حال اوج گرفتن می باشند بر علیه وضعیتی که برای انسانها و بطورکلی زیست بر روی کره ی خاکی توسط کشورهای امپریالیستی، حکومت های ارتجاعی و ضدردمی بوجود آمده و آنها را از خواب غفلت بیدار نماید و بخواهند با تحریف واقعیت های این رویداد تاریخی، باز هم مردم را به بیراهه بکشانند.

یارمحمد اکبری عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران آذر ۹۶

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی

دادن خبر مرگ

وقتی یک عزیز خانواده ای بمیرد به فامیلهایش و کسانی که دورند می گویند: « بیا حال فلانی خرابه » او هم متوجه می شود که دنیایش را عوض کرده . دوستم صحبت میکرد رفته بودیم مهاباد که زنگ زدند بیایید پدر حسین مرده زود برگردید ببینیم چکار کنیم . و آمدنی حسین در نیروگاه کار می کنه اورا هم بیاورید.

اینها تو راه فکر می کنند ما چطور به حسین بگوییم . اگر همه ما را اینجا ببینه شک میکنه . چکار کنیم؟ در بین راه اینها هرکدام حرفی پیشنهاد میکنند که اینطوری بگیم.

یکی از دوستان که خودش طنز نویس مشهوری بود میگه: « شما کاری نداشته باشید من میگم . طوری هم میگم اصلا متوجه نمی شود» اینها میایند جلو نگهبانی نیروگاه حسین را صدا می کنند. حسین با لباس سرهم میاد. بعد از احوال پرسى، میگه اینجا چکار می کنید؟؟ چه شده مگه؟؟ دوست طنزنویس می پرسه: « حوسین دون قالیر(پدرت زنده ست؟). میگه آره چه شده مگه ؟

میگه: « گالا با ❀ ❀ !!! هییییررر قالیر ائله اولدی بابا (فوت کرد بابات)

الله رحمت انلسین(خدا رحمتش کنه) .

وجدانا طوری می‌گه که حسین اصلا متوجه نمی شود(🤔🤔)

بئکار

فهله میدانندا بئکار قالیب	اؤه قاییداندا اوتانیرام
بیلمیرم قاپینی نئجه	چالیم دئییرم ایندی
بالاجا قیزیملا بالاجا اوغلوم	قاپینی آچار
آتام گلدی دئییه دئییه	قباغیما قاجیب
منن پول ایسته یه جکلر	بس اونلارین اوزونه نئجه باخیب
نئجه یوخ دئییه جه بیم	بئکار چیلیق بیر دردی
جیبی بوشلوق مین درد	بو نئجه زاماندير
بیز یاشاییریق آخی؟؟؟!!!	یاشاییریق اولنده دئییه لر
راحات اولدو؟؟؟!!!	

در میدانی که کارگران را به کار می برند بیکار مانده ام، در برگشت به خانه خجالت زده ام، با خود می گویم چگونه تقه به در بزنم، دخترک و پسرکم در زمان باز کردن خواهند گفت: «پدر آمد»، و از من پول خواهند خواست، چگونه به چهره اشان نگاه کنم، چگونه نه بگویم، بیکاری یک درد است و جیب خالی هزار درد، این چگونه روزگاری است که ما زندگی می کنیم، موقعی که می میریم خواهند گفت راحت شد.

**حسین امیدی (اورمان) کارگر نقاش و عضو سندیکای
کارگران نقاش و تزیینات تهران و حومه**

لیله کوه

آخ یه وختی مو ، ای دنیا جی شوئم / بییستم . پوچ آبونم . خاک آبونم

جَغَلْنِ هَندِه هَئِنِ مرد آبونن / می موسون گرما بونن . سرد ابونن

زندگی دوست و گینن / کس کسه بال گینن

وختی خوشهر بوشه مرد مانه یاد ابونن / نیشنن گردکله ی زئنن امه حرفه
زئنن

موکه نیسئم لیله کوه / تو بگو تو می دیل درده بگو

آخ ، زئکنن مردابونین مردانی حال بگیرین / دی کی دننن بکته آدمی بال
بگیرین

مردمه شاداگونین / زندگه ، ننگ جی ، آزاد کونین

لیله کوه . لیله کوه / تو او دوره گیله مردانه بگو

که مو ، ای مردمی همرا ، بموئم ، زنده بو بوم بسوتم . شاعرابوم . محمود
پاینده ، بوبوم

برگردان فارسی:

آخ یه وقتی ، من از دنیا بروم / بیوسم و پوک شوم ، خاک شوم

بچه ها باز رسند ، مرد شوند / همچون من گرم شوند ، سرد شوند

زندگی دوست شوند / دست هم را گیرند

مرده و زنده ی شهر خود را چون بیارند به یاد / گرد هم حلقه زنند ، می کنند
از ما یاد

من که نیستم لیله کوه / درد دل من را بگو

آخ بچه ها مردکه شدید مردانه رفتار کنید / هر که می دانید افتاده ، دستش
گیرید

مردمان را شاد کنید/ زندگی را از ننگ آزاد کنید

لیله کوه ، لیله کوه / تو در آن روز از من ، گیله مردان را گو

من به همراه همین مردم خویش مردم ، زنده شدم

سوختم شاعر محمود شدم ، شاعر مردم و پاینده شدم

محمود پاینده لنگرودی

□ ○ ایمنی کار (۱۴)

✓ با این حال کلاس‌های آموزش موارد و نکات ایمنی شرط‌های ویژه‌ی خود را نیز دارا می‌باشد که بی‌توجهی به آن انگیزه‌ی حضور در کلاس‌های آموزش ایمنی را از کارگران سلب می‌کند. برای نمونه اگر ساعات آموزش ایمنی جزئی از ساعت کار به حساب آید و یا از کمک آموزش‌هایی نظیر فیلم‌های جذاب و آموزنده در زمینه‌ی ایمنی کار استفاده شود و یا به کسانی که در آزمون‌های کلاس ایمنی رتبه قابل قبول می‌گیرند با پاداشی نقدی یا غیر نقدی تشویق شوند قطعاً انگیزه‌ی آموختن را برای کارگران بیشتر می‌کند.

پیدایش و تکامل حیات

□◆ عمر زمین

✓ نخستین کوشش در زمینه‌ی تخمین سن زمین در قرن ۱۸ میلادی به وسیله‌ی بوفون دانشمند تاریخ طبیعی انجام گرفت .

✓ در قرن ۱۹ میلادی دانشمندان با مطالعه‌ی سرعت ته‌نشین شدن مواد در کف اقیانوس‌ها و دریاها، توانستند طول دوران‌های زمین‌شناسی را توسط اندازه‌گیری ضخامت لایه‌های صخره‌ای رسوبی تعیین کنند .

✓ در قرن ۲۰ میلادی با شناختن عناصر رادیواکتیو و تجزیه آن‌ها؛ دانشمندان توانستند تعیین عمر زمین را با دلایل مستحکم‌ی بیان کنند .

□◆ تجزیه عناصر رادیواکتیو مانند اورانیوم، توریم، پتاسیم و ... را می‌توان وسیله‌ی اندازه‌گیری زمان قرار داد. زیرا سرعت این تجزیه در کلیه نقاط جهان و کیهان واقعا"، یکسان است. درجه حرارت و فشارهایی که در اعماق زمین برقرار است تنها اثر بسیار ناچیزی را بر سرعت تجزیه این مواد اعمال می‌کند .

□◆ رادیواکتیویته خاصیتی است که تنها به هسته‌ی اتم عناصر بستگی دارد .

□◆ با در نظر گرفتن این‌که الکترون‌های هر اتم، هسته‌ی آن را در بر گرفته‌اند و انرژی فوق‌العاده زیادی برای گسستن پیوند این الکترون‌ها از هسته لازم است، بنابراین عوامل خارجی از قبیل حرارت، فشار، ترکیب شیمیایی و غیره که تنها تا مقیاس اتمی بر جسم اثر می‌کند، بر هسته اتم تأثیری ندارد و در نتیجه خاصیت رادیواکتیویته را تغییر نمی‌دهد .

✓ در شرایط طبیعی، در هر نقطه زمین که ماده‌ی رادیواکتیو موجود باشد، مقدار نسبی اتم‌هایی که در عرض يك سال تجزیه شده است ثابت می‌ماند .

□ ♦ تجزیه اورانیوم، توریم، و پتاسیم، بسیار کند است و تنها نیمی از اتم‌های این عناصر در عرض صدها و یا حتی هزاران میلیون سال تجزیه می‌شود. بنابراین چنین عناصری هنوز نیز در زمین موجود است. هر چند واضح است که این مواد حتی در بدو پیدایش زمین نیز جزو کوچکی از آن را تشکیل می‌داد .

✓ با اندازه‌گیری تعداد اتم‌های رادیواکتیو (نیمه عمر half-life) (و تعداد اتم‌هایی که حاصل عمل تجزیه بوده است، همچنین با دانستن سرعت تجزیه این اتم‌ها در يك سنگ معدن، محاسبه زمان لازم برای تولید مقدار مورد مطالعه از ماده‌ی حاصل شده بسیار ساده است. به عبارت دیگر می‌توان عمر سنگ معدن را تخمین زد.

□ ♦ اتم اورانیم دارای دو ایزوتوپ به جرم اتمی ۲۳۵ و ۲۳۸ است .

✓ اورانیوم ۲۳۵ بسیار سریع‌تر از اورانیوم ۲۳۸ تجزیه می‌شود و به همین جهت مقدار فعلی آن در کره‌ی زمین ۱۳۹ بار کمتر است .

✓ هنگام پیدایش ایزوتوپ‌های اتم اورانیوم، مقدار این دو ایزوتوپ يك‌سان بود .

✓ با آگاهی بر سرعت تجزیه هر دو ایزوتوپ، محاسبه مدت زمان لازم برای آن‌که مقدار اورانیوم ۲۳۵، ۱۳۹ بار کمتر از اورانیم ۲۳۸ گردد ساده است .

□ ○ نتیجه: عمر زمین از ۵ میلیارد سال بیشتر، تجاوز نمی‌کند .

مبانی اقتصاد سیاسی

- ✓ در جامعه ابتدایی چند و چون نیروهای مولد، تعیین کننده روابط تولیدی بود .
- ✓ شالوده روابط تولیدی، مالکیت اشتراکی ابزارهای ابتدایی کار و وسایل تولید بود .
- ✓ مالکیت اشتراکی ابزارهای ابتدایی کار و وسایل تولید، مالکیت جمعی مناسب سطح ترقی و تکامل نیروهای مولد بود .
- ✓ ابزار کار، در جامعه ابتدایی، آن چنان ناقص و ابتدایی بود، که انسان اولیه، قادر نبود دست تنها، علیه نیروهای طبیعی و حیوانات وحشی بجنگد .
- ✓ افراد انسان مجبور بودند با هم در کمون ها زندگی کرده و مشترکاً اقتصاد و معاش خود؛ مثل شکار، ماهیگیری و تهیه غذا، را سر و سامان دهند .
- ✓ در کنار مالکیت عمومی کمون بر وسایل تولید، مالکیت خصوصی نیز وجود داشت .
- ✓ مالکیت خصوصی شکل تصاحب کار افزارهایی را که اعضای کمون مستقلاً برای دفاع بر علیه حیوانات وحشی به کار می بردند، به خود گرفت.
- ✓ در جامعه اولیه بازده کار بسیار کم بود و هیچ محصولی مازاد بر احتیاج اولیه زندگی به دست نمی آمد .
- ✓ در جامعه اولیه کار بر اساس همکاری ساده متکی بود و بسیاری از افراد کارهای مشابه یکدیگر داشتند .
- ✓ در جامعه اولیه هیچ گونه استثمار انسان به وسیله انسان وجود نداشت و مواد غذایی ناچیزی که به دست می آمد، به تساوی بین اعضای کمون توزیع می گردید .

✓ در زمانی که هنوز پیدایش انسان از بطن دنیای حیوانی در شرف انجام بود، افراد انسان گله گله زندگی می کردند، در نتیجه با پیدایش اقتصاد جمعی، رفته رفته سازمان کلن (طایفه) در جامعه به وجود آمد که، فقط خویشاوندان نزدیک می توانستند برای کار عمومی و اشتراکی، در آن، با هم متحد شوند .

✓ کلن، نخست گروهی از خویشاوندان نزدیک بود که تعداد آن ها از چند ده نفر تجاوز نمی کرد ولی با گذشت زمان، شمار اعضای آن به چندین صد نفر رسید.

✓ با تکامل ابزار کار، بین مردان و زنان، بین جوانان با کودکان و پیران، یک تقسیم کار در کلن (طایفه) به وجود آمد .

✓ پس از تقسیم کار در کلن، و از آن زمان به بعد مردان وقت اصلی خود را صرف شکار می کردند، در حالی که زنان، به گرد آوری غذاهای گیاهی می پرداختند و این امر موجب افزایش بازده کار گردید .

✓ در نخستین مرحله جامعه طایفه ای (کلن)، نقش اصلی متعلق به زنان بود .

✓ در نخستین مرحله جامعه طایفه ای؛ زنان غذاهای گیاهی را جمع آوری کرده و از خانه نگاه داری می کردند .

□◆ کلن (طایفه) مادر سالاری بود .

✓ بعدها که نگهداری چهار پایان و زراعت به عهده مردان محول شد، پدر سالاری جایگزین مادر سالاری گردید و نقش اصلی در کلن به دست مردان افتاد.

«سهم من از برخوردار بودن از یک کار شرافتمندانه کجاست؟ سهم من از آموزش و پرورش رایگان کجاست؟ سهم من از شان و منزلت اجتماعی، کجاست؟ سهم من از برخورداری از بهداشت رایگان و تامین اجتماعی، کجاست؟ با پیوستن به سندیکاهای کارگری پاسخ این سوالات را بگیریم»

فرجام:

فیروزنادر، شهروند خوش ذوق و فرهیخته شیرازی و دانشمند
بازنشسته‌ی ناسا:

به خلیج فارس بروید و یک مِشت شن بردارید و تمام دانه‌های آن را بشمارید.
وقتی این کار به پایان رسید مِستی دیگر بردارید و آنقدر این کار را ادامه
دهید تا تمام دانه‌های شن ساحل را شمرده باشید.

پس از این که این کار را انجام دادید به شمال سفر کنید و همین کار را در
دریای مازندران انجام دهید. و ادامه دهید تا تمام دانه‌های شن تمام ساحل‌های
سیاره‌ی زمین را بشمارید.

تعداد ستاره‌های عالم از تعداد تمام دانه‌های شن تمام ساحل‌های روی زمین
بیشتر است .

این یک حقیقت است!

یکی از این دانه‌های شن خورشید ماست.

و زمین یک دانه‌ی شن بسیار بسیار کوچکتر است که به دور خورشید
می‌گردد !

آیا فکر می‌کنید تفاوت میان شیعه و سنی، مسیحی و یهودی، ایرانی و
آمریکایی و ژاپنی (در چنین شرایطی) مهم است؟



۲۵ نوامبر سال هاست در تقویم ها روز مبارزه با خشونت علیه زنان نام گذاری شده است.

سه خواهر جوان دومینیکی در روزگاری که سرزمین های آمریکای لاتین بهشت برین دیکتاتورها بود، به دست ماموران دیکتاتور تروخیو به قتل رسیدند. مرگ این سه خواهر که تاب پلیدی دیکتاتور را نیاوردند حالا آنقدر در دنیا سر زبان ها افتاده است که گاهی وقت ها شبیه افسانه های اینکاها و اسطوره های این سرزمین پر راز و رمز می شود. روز مرگ سه خواهر زیباروی دومینیکی چند سال بعد در گردهمایی فعالان زن آمریکای لاتین و جزایر کارائیب به عنوان روز مبارزه با خشونت علیه زنان نام گذاری شد.

دیکتاتور تنها يك سال بعد از این قتل ها زنده ماند، اما نام میرابل ها برای مردم دومینیکن یادآور قهرمان هایی است که از مرزهای زندگی شخصی شان عبور کردند و جاودانه شدند. بنای یادبود میرابل ها حالا برای تمام زنان آمریکای لاتین و جهان انگیزه ای است برای مبارزه با خشونت. خواهران میرابل که به پروانه ها شهرت یافته اند حالا از سینما و ادبیات عبور کرده اند و قدیس های دنیای امروز هستند.



مادران علیه حوادث رانندگی

محله سیزده آبان در جنوبی ترین نقطه تهران و نزدیک به شهر ری واقع شده است. در این منطقه کارگری مادران محله ۱۳ آبان به مناسبت هفته یادبود قربانیان حوادث رانندگی برنامه های متنوعی برگزار کردند. یکی از این برنامه ها حضور در خیابان های محله و حساس کردن مردم و رانندگان نسبت به حوادث رانندگی بود.

علاوه بر تهران، فعالیت های دیگری در شهرهای داراب، بوشهر، بندرعباس و... برای یادبود این هفته برگزار شده است.

خشونت چیست؟؟

خشونت همیشه یک چشم کبود و دندان شکسته و دماغ خونی نیست. خشونت، تحقیر، آزار و گاهی یک نگاه است. نگاه مردی به یقه ی پایین آمده ی لباس زنی وقتی که دولا شده و چایی تعارف می کند. نگاه برادری است به خواهرش وقتی در مهمانی بلند خندیده. نگاهی که ما نمی ببینیم. که نمی دانیم ادامه اش وقتی چشم های ما در مجلس نیستند چیست. ترسی است که آرام آرام در طول زمان بر جان زن نشسته

خشونت بی کلام، بی تماس بدنی، مردی است که در را که باز می کند زن ناگهان مضطرب می شود، غمگین می شود. نمی داند چرا. در حضور مرد انگار کلافه باشد. انگار خودش نباشد. انگار بترسد که خوب نیست. که کم است. که باید لاغرتر باشد چاق تر باشد زیباتر باشد خوشحال تر باشد سنگین تر باشد. خانه دارتر باشد عاقل تر باشد. خشونت آن چیزی است که زن نیست و فکر میکند باید باشد. خشونت آن نقابی است که زن می زند به صورتش تا خودش نباشد تا برای مرد کافی باشد. مرد می تواند زن را له کند بدون اینکه حتی لمس اش کند. بدون اینکه حتی بخواد لهش کند. این ارث مردان است که از پدران پدرانشان بهشان رسیده.

خشونت، آزار، تحقیر امتداد همان "مادرش را فلان ها، عمه اش را بیسار"هایی است(باعرض پوزش) که به شوخی و جدی به هم و به دیگران می گوئیم. خشونت، آزار، تحقیر همان "زن صفت، مثل زن گریه می کردی"هایی است که بچه هایمان از خیلی کودکی یاد می گیرند.

خشونت، آزار، تحقیر، پله های بعدی نردبانی هستند که پله ی اولش با فلانی و بیساری معاشرت نکن چون... فلان لباس را نپوش چون... است. چون هایی که اسمشان می شود "عشق". عشق هایی که می شوند ابزار کنترل. که منتهی

می شوند به زنانی بی اعتماد به نفس، بی قدرت، غمگین، تحقیر شده، ترسان، وابسته، تهدید به ترک شده و شاید کتک خورده که فکر می کنند همه ی زخم هایشان از عشق است. که مرد عاشق زخم می زند و زخم بالاخره خوب می شود.

خشونت توجیه آزار روحی، کلامی، جسمی، جنسی مردی است که مست است. مستی انگار عذر موجهی باشد برای ناموجه ترین رفتارها.

کتک بدترین نوع خشونت علیه زنان نیست. کبودی و زخم و شکستگی خوب می شوند. قدرت و شادابی و باور به خویشی که از زن در طول ماهها و سالها گرفته می شود گاهی هیچ وقت، هیچ وقت، ترمیم نمی شود

خشونت دست سنگین پدری است که بر صورت دخترک ۹ ساله اش بلند می شود اما هرگز فرود نمی آید.

خشونت گردنکشی برادری است که نگاه پسرک معصوم همسایه را کور می کند و خواهر را ناامید می کند از عشق پاک و دیوار به دیوار همسایگی.

خشونت آروغ زدن های شوهر است به جای دستت درد نکند برای دستپخت عالی یک صبح تا ظهر حبس شدن در آشپزخانه.

خشونت حق ارثی است که پس از مرگ پدر به تو داده می شود نیم آن چیزی که برادرت می گیرد و تازه منت بر سرت می گذارند که نان آور خانه ات دیگری است .

و در اخر خشونت خود ما زنانیم که تمامی اینها را می پذیریم بی هیچ اعتراضی و آن کسی را هم که در میانمان به اعتراض بلند می شود با القاب زن فلان و بهمان به سخره می گیریم . خشونت خود خودمانیم. و از ماست که بر ماست.

 **تهمینہ میلانی کارگردان نامدار ایرانی**

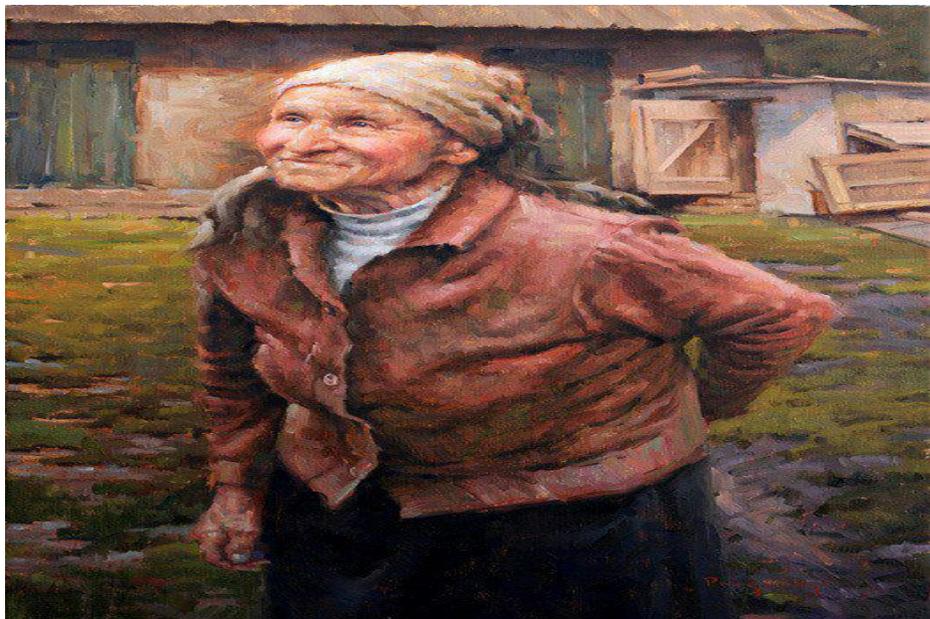


زنان ۶۷ درصد ساعات کار جهان را انجام می دهند و ۱۰ درصد درآمد جهان را به دست می آورند.

۲۵ نوامبر (۴ آذر) روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان است.



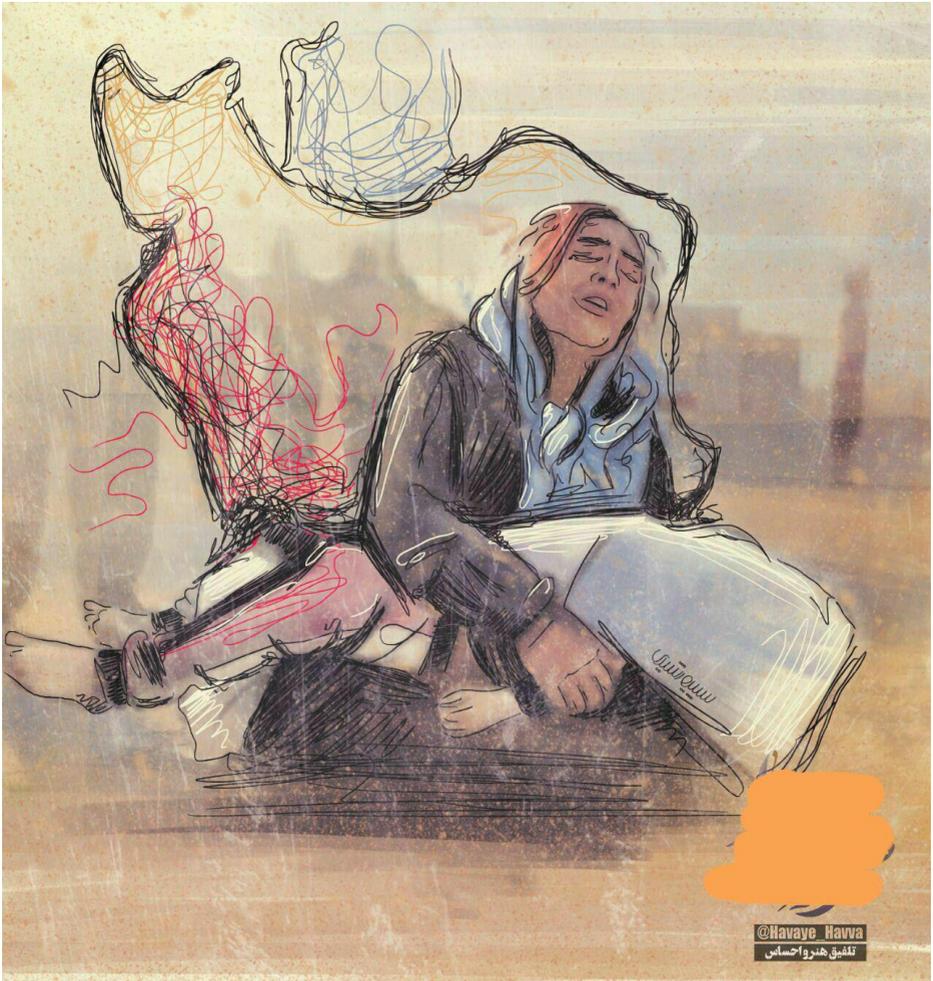
در سال ۹۴ تعداد ۳۶ هزار و ۹۳۸ کودک ۱۰ تا ۱۴ ساله ازدواج کرده‌اند، در همین سال ۱۷۹ کودک زیر ۱۰ سال تن به ازدواج داده‌اند/ایسنا



مرگ را نمی توانستم باور کنم. ننه چطور ممکن بود بمیرد؟ پس چه کسی رخت مردم را می شست؟ پس کی برای مردم کلاش می چید؟ هر وقت ما شیطانی میکردیم کی میان ران هامان را با چنگول کبود میکرد؟ چه کسی به بابا التماس میکرد که برای عیدمان جفتی جوراب بخرد؟ چطور ممکن بود ننه بمیرد؟ او می بایستی زنده باشد تا ظرف بشوید، جارو بکند، عذرا را شیر بدهد و بغض و دردش را بروز ندهد و روی جگرش بریزد. دست های یخ زده و قاچ قاچ خودش و ما را هرشب وازلین بمالد. و برامان قصه بگوید . قصه های خوب ننه خوب بود. همیشه دست هایش بوی صابون می داد، بوی پول خرده میداد و قاچ قاچ بود و دردناک بود....

بخشی از کتاب آبشوران.

یاد علی اشرف درویشیان تصویرگر صدیق و راوی رنج های طبقه ی
فرو دست گرامی باد.



و ایران؟

نام زنیست که

هر روز به یک زبان

در داغ فرزندانش مرثیه می سراید.



نه کُردم ، نه لرم نه فارس و نه ترک و ترکمن و گیلک انسانم و برایم
هر انسانی عزیز و برادر و خواهری